



ازدواج سبز؛ جدی یا فکاهی؟!

مژده ای لی کرمسیحانقسه مآیلے

بحران عاشقی
یا دوران عاشقی؟!



فیلم درباره زندگی یک زن وکیل به نام بیتا است که در کار خود تبحر دارد و بیشتر پرونده های مربوط به طلاق را قبول می کند ...

نامه ای به هواپیمای
مسافربری قبل از پرواز



بنده اصلا به این موضوع کاری ندارم که اهل کجا هستی، روسی هستی، توپولف هستی، کپل اف هستی، شرقی هستی، غربی هستی. یانکی هستی، بانکی هستی، بابکی هستی، بی بکی هستی،

دکوراسیون
داخلی



بعد از یک روز تلاش و خستگی همه با هر شرایط شغلی و موقعیت اجتماعی نیاز به فضایی برپا پشت سر گذاشتن استرس و خستگی و ...

361°

ONE DEGREE FASTER

DEXTER LEE JAMAICAN SPRINT

SENSATION



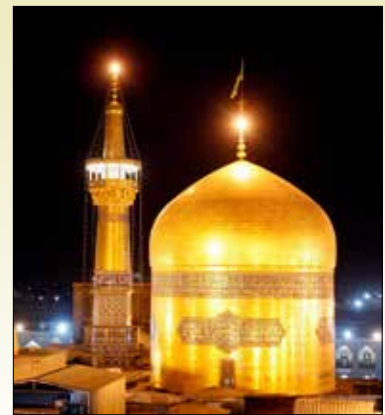
OFFICIAL
SUPPLIER

A smoother ride for the run of your life



امام رضا (ع)

مزار توست بهشت وصال داور من
همیشه در همه جا، قبر توست در بر من
زمره را دور همان نیت زیارت تو
بود بدین خداوند، حج آگبر من
به خاک زان کویت قسم! نگاهم کن
که خاک مقدم زو آرتوشون، سس من
به گوش هجو از آن، رضا رضایه گفت
از آن زمان که به من شیر داد، مادر من
من و زیارت قبر تو، ای امام مرنوف!
بدون رافت تو، این نبود باور من
مرسد چو مرگ زمره، اول حیات من است
اگر به روی تو افتد، نگاه آخر من
شب که خواب تو دیدم، سخن گمان به رفت
به بوستان جنان، بوی گل زیست من
شنیده ام که سر جا، روی محشری با ما
خدا آنگاه که بود لحظه لحظه، محشر من
ز بوی عطر نفس های زان حرمت
هماره روح و لایت، دمل به بیکی من
ز شع «میثم» اگر جان مرده، زند شود
مرواست، مگر تو بود نظم روح پرور من



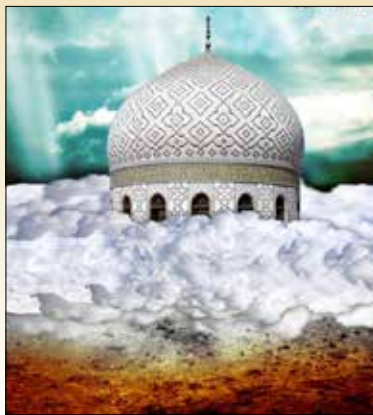
امام حسن مجتبی (ع)



من جگر یاری زهری و پاره جگر
همه را یارم و خود از همه مظلوم تر
خانم قتلگم و یار ستمگر قاتل
سوخته از شر زهر، زیبا تا به سر
عمن من بود محی، همه روی و همه شب
قاتل از زهر جفا کشت به ما صفر
لب فرو بست و دیدم که امانت می کرد
قاتل مادر مظلوم من بر پدر
با وجودی که خزان کشت بهار افر
طشت شد باغ گل و لاله ز خون جگر
من که طایوس بهشت به چهره و گه
سوخته از شر دو زخیان بال و پر
قسمت بود به مسجد که ز طفلی هر روز
قاتل مادر خود را سس منب نگر
تا در آن کوچه مرغ یاس نبی کشت کبود
تیر لا شد صورت خورشید به پیش نظر
مضطرب بود مرو لرزید مرو حیران بود
که چسان مادر خون را به سوی خانه پرور
در همان لحظه که شد مادر من نقش زمین
من نگر کرد مرو او گفت خدا یا پس
«میثم» از آلا تو که سوخت جهان، نیست عجب
از شر امر جگر و سوز دل با خیر

حضرت رقیه (س)

بزن من که یتیم، بماند لا زمر نیست ...
من که در اندام اشک است دانه لا زمر نیست
به ناله انس گریه، ترانه لا زمر نیست
ز اشک دیده به خاک خرا به بنوش
به طفل خانه به روش، آشیانه لا زمر نیست
نشان آبله و سنگ و کعبه کافه است
دگر به لاله روی و نشان لا زمر نیست
به سنگ قبر من به گناه بنویسد
اسین سلسله را تا زبانه لا زمر نیست
عدو بماند گرفت و زدی به او گفت
بزن من که یتیم، بماند لا زمر نیست
مرا ز ملک جهان گوشه خراب پس است
به لیل که اسیر است لانه لا زمر نیست
محبت خجله کرد، عمر دست بهار
برای زلف به خون شسته، شان لا زمر نیست
به کوچه که چرخ شیش سر بهار است
دگر چرخ به بهر مر شبانه لا زمر نیست
وجود سوزد از این شعله تا ابد ((میثم))
سرو دهن غم آن نازد لانه لا زمر نیست



سخن اول



مهدی صالحی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول

از دیر باز نوشتن و خواندن یکی از مباحث دوست داشتنی و مورد علاقه بشر می باشد. انسانها از ادوار گذشته نیز به طرق مختلف دیدگاهها و منظور خود را بیان نموده اند. آری، همواره انسانها با نوشتن، تجارب و افکار خود را به اشتراک می گذارند و اجازه می دهند دیگران در این افکار با آنها سهیم شوند و حتی نظرات خود را بیان کنند یکی از این اشکال نوشتاری در عرصه

و به این جمله ایمان داریم که اگر ما بانوانی شاد داشته باشیم قطعا خانواده ای شاد و خوشحال داریم و اگر خانواده ها شاد باشند در واقع جامعه شاد خواهد بود. بانوان همواره در جوامع مختلف نقش محوری ایفا می نمایند. زیرا آنها در شکل گیری و طرز تعلیم و تربیت آیندگان نقش کلیدی دارند و به نحوی خانواده های امروزی ما با مدیریت بانوان شکل می گیرد. ضمن اینکه بانوان علی رغم فعالیت روزمره خانه، در بسیاری از خانواده ها در خارج از منزل نیز فعالیت می نمایند و دوش به دوش مردان در هزینه های زندگی فعال هستند. اگر ما بر این باور باشیم که همه چیز در گرو خانواده است و خانواده در گرو بانوان، پس ما نیز بایستی برای تعالی و پیشرفت مادران خانواده ها تلاش کنیم تا جامعه ای آباد و ایرانی سرفراز داشته باشیم.

حاضر مجلات است که با استقبال خوب خوانندگان روبرو شده به گونه ای که با وجود شبکه های مختلف اطلاع رسانی مبتنی بر وب همچنان خوانندگان مجلات رشد چشمگیری داشته و این امر نشان دهنده این موضوع است که در دست گرفتن یک مجموعه نوشتاری همانند کتاب و مجله بسیار جذابتر از خواندن انواع پیامهای اینترنتی در فضاهای مجازی می باشد. هدف مجله لیخنه سبز ایجاد فضایی شاد و متفاوت با ارائه مطالب بروز، جذاب و خواندنی می باشد تا شما خواننده عزیز را برای لحظاتی از مشکلات و گرفتاری ها دور کند و به شما آرامش روحی و روانی برای انجام بهتر کارها بدهد. ما در این مجله قصد داریم که به دو موضوع بانوان و طنز بیشتر بپردازیم زیرا اعتقاد داریم در این زمینه کمتر کار شده است.



یادداشت سردبیر

مژده ای دل که مسیحا قسمی آید
که زافاس خوشش بوی کسری آید

الهی! اگر یکبار بگویی بنده من، از عرش بگذرد خنده من.
بیاموز تا سر دین بدانیم. برفروز تا در تاریکی نمائیم.
تلقین کن تا آداب شرع بدانیم. توفیق ده تا خنگ

طمع نرانیم. تو نواز که دیگران ندانند، تو ساز که دیگران نتوانند. همه را از خودپرستی رهایی ده. مه را با خود آشنایی ده. همه را از مکر شیطان نگاهدار. همه را از کید نفس آگاه دار. گریخته بودم تو خواندی. ترسیده بودم بر خوان تو نشانیدی. ابتدا می ترسم که مرا بگیري به بلای خویش، اکنون می ترسم که مرا بفریبي به عطای خویش، تقوایی ده که از دنیا ببریم، روحی ده که از عقبی برخورداریم. یقینی ده که در آرزو ما باز نشود و قناعتی ده تا صعود حرص ما باز نشود.

یکبار دیگر آغاز میکنیم با نام و یاد خداوند زیباییها و مهربانی ها، خداوند دوستی ها و محبت ها، آفریدگاری که به ما یاد داد بخشنده و عاشق باشیم. خداوندی که رحمان و رحیم و البته ارحمن الراحمین است. خداوند هستی بخشی که عشق را آفرید و ما را

اشراف مخلوقات قرار داد تا به کمال برسیم. خداوندی که به ما آموخت ببخشیم و شکرگزار باشیم. یکدیگر را دوست بداریم و از هر چه پلیدی و پلشتی در روزگار است دوری جوییم. خداوندی که به ما عقل داد تا از خردجمعی برخوردار باشیم و قلم را به دست ما داد تا بنویسیم و به آن قسم خورد. کلام را باید گفت اگر گفتنی باشد از این راه نشد از راه دیگر از این در نشد از در دیگر تمام درها که باز نیست، تمام راهها که هموار نیست. خدایا یکبار دیگر تو را شکر می کنیم که قلم را به دست ما دادی. قلمی که بهترین و خاطره انگیزترین روزگاران را با آن سپری کرده ایم. به هر حال این هم تجربه ای دیگر با لبخند سبز به امید آنکه بتوانیم لبخند را بر روی لبان شما عزیزان بنشانیم و یکبار دیگر با شما باشیم. به امید روزهای بهتر و شادتر.

شناسنامه ...



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
مهدی صالحی

مشاور مدیر مسئول:
مرضیه حمیدی مجد



سردبیر:
رضا رنجکش

مدیر اجرایی و بازرگانی:
امیرحسین محمدی



مدیر داخلی:
حسین نجیب زاده



مدیر هنری:
سروش والی زاده



دبیر عکس:
بهنود رنجکش

چاپ: مدرس

سامانه پیامکی: ۵۰۰۲۹۵۹۶۵

تلفن: ۸۸۹۱۵۲۴۷

پست الکترونیکی:

Labkhandsabz1@gmail.com

Labkhandsabz@yahoo.com

•
•
•
•

کلیه مطالب این مجله متعلق به نشریه لبخند سبز می باشد. هرگونه کپی از آن فقط با ذکر نام مرجع مجاز است.

چگونه
لبخند
بزینیم؟

5

دکوراسیون
داخلی

14



عشق همه جا را
تسخیر می کند

4



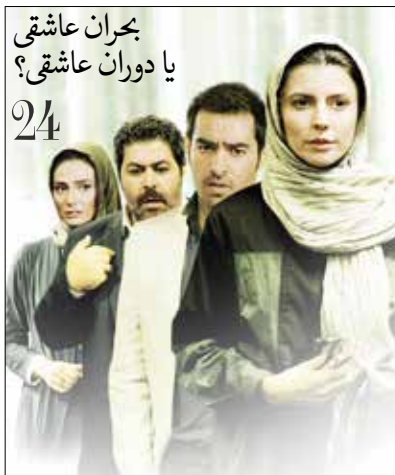
8

نامه ای به هوایی
مسافری قبل از پرواز



بحران عاشقی
یا دوران عاشقی؟

24



آشنایی
با کاریکاماتور....

18



Persepolis
Ancient History
Encyclopedia

30

عشق همه جا را تسخیر می‌کند

آیا تا به حال عاشق شده‌اید؟!

هنگامی که خداوند انسان را اندازه می‌گیرد، متر را دور قلبش می‌گذارد نه دور سرش. نورمن وینسنت پیل.
...عشق صبور است، عشق مهربان است. هرگز حسادت نمی‌کند، هرگز به خود نمی‌بالد، مغرور نیست. گستاخ نیست و خودخواه نیست، به سادگی خشمگین نمی‌شود، خطاهای دیگران را به خاطر نمی‌سپارد. عشق از همدمی با شیطان لذت نمی‌برد بلکه دوست دار حقیقت است. همواره حافظ است، همواره به دیگران اعتماد دارد، همواره امیدوار است و همواره پاینده است. عشق هرگز شکست نمی‌خورد. برآستی آیا تا به حال عاشق شده‌اید؟! به نظر شما عشق چیست؟! فرق بین عشق حقیقی و مجازی چیست؟! می‌گن انسانی که عاشق نباشه بیمار! نظر شما در این مورد چیست؟! تفاوت‌های فرهنگی میان کشورها و اقوام مختلف امکان دستیابی به یک معنای همگانی و فراگیر درمورد کلمه عشق را تقریباً ناممکن ساخته است.

ناقص شدن، عشق یعنی بی‌صبر شدن، شاد شدن، غمگین شدن و... عشق را انسان تأیید نمی‌کند، بلکه عشق انسان را تأیید می‌کند و به چاه خودش می‌اندازد. عشق بیشتر از تنفر شروع می‌شود و به عشق تبدیل می‌شود. انسان بخاطر عشق حتی مرگ را هم تحمل می‌کند. عشق نیازمند بحث‌های طولانی و دقیق است، اما جنبه‌های گوناگون آن را می‌توان از راه بررسی چیزهایی که «عشق» یا عاشقانه «نیستند» تشریح کرد.

عشق به عنوان یک احساس مثبت (و شکل بسیار قوی «دوست داشتن») معمولاً در نقطه مقابل تنفر (یا بی‌احساسی محض) قرار می‌گیرد و در صورتی که در آن عامل میل جنسی کم‌رنگ باشد و یک شکل خالص و محض رابطه رمانتیک را متضمن باشد، با کلمه شهوت قابل قیاس است؛ عشق در صورتی که یک رابطه بین فرد و دیگر افراد را توصیف کند که در آن زمره‌های رمانتیک زیادی وجود دارد در مقابل دوستی و رفاقت قرار می‌گیرد؛ با وجود آنکه در برخی از تعریف‌ها «عشق» بوجود رابطه دوستانه بین دو نفر در بافت‌های خاص تأکید دارد.

عشق در معنای عام خود بیشتر به وجود رابطه دوستانه بین دونفر دلالت دارد. عشق معمولاً نوعی توجه و اهمیت دادن به یک شخص یا شیء است که حتی گاهی این عشق محدود به خود نمی‌شود (مفهوم خودشیت‌نگی). با این وجود در مورد مفهوم عشق نظرات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای وجود عشق را نفی می‌کنند. عده‌ای هم آنرا یک مفهوم انتزاعی جدید می‌دانند و تاریخ «ورود» این واژه به زبان انسان‌ها و در واقع اختراع آن را طی قرون وسطی یا اندکی پس از آن می‌دانند که این نظر با گنجینه باستانی موجود در زمینه عشق و شاعری در تضاد است. عده دیگری هم می‌گویند که عشق وجود دارد و یک مفهوم انتزاعی صرف نیست، اما نمی‌توان آن را تعریف کرد و در واقع کمیته معنوی و متافیزیک است. برخی از روان‌شناسان اعتقاد دارند که عشق عمل به عاریه سپردن «مرزهای خودی» یا «حب نفس» به دیگران است. عده‌ای هم سعی دارند عشق را از طریق جلوه‌های آن در زندگی امروزی تعریف نمایند.

امولانا در مورد عشق می‌گوید:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان/ چون به عشق آیم خجل باشم از آن

عقل در شرحش چو خر در گل بخت / شرح عشق و عاشقی را عشق گفت.

انسانها در توصیف کلمه عشق ممکن است عشق به خداوند، عشق به یک عقیده، عشق به یک قانون یا مؤسسه، عشق به جسم، عشق به طبیعت، عشق به غذا، عشق به پول، عشق به آموختن، عشق به قدرت، عشق به شهوت، و یا عشق به انواع مفاهیم دیگر در نظر باشد و افراد مختلف برای افراد و چیزهای مختلف درجه دوست داشتن متفاوتی را بروز می‌دهند.

عشق لذتی مثبت است که موضوع آن زیبایی است، همچنین احساسی عمیق، علاقه‌ای لطیف و یا جاذبه‌ای شدید است که محدودیتی در موجودات و مفاهیم ندارد و می‌تواند در حوزه‌هایی غیرقابل تصور ظهور کند.

در بعضی از مواقع، عشق بیش از حد می‌تواند شکلی تند، سخت و غیرعادی به خود بگیرد که گاه زبان آور و خطرناک است و گاه احساس شادی و خوشبختی می‌باشد. اما در کل عشق باور و احساسی عمیق و لطیف است که با حس صلح‌دوستی و انسانیت در تطابق است. عشق نوعی احساس عمیق و عاطفه در مورد دیگران یا جذابیت بی‌انتهای برای دیگران است. در واقع عشق را می‌توان یک احساس ژرف و غیرقابل توصیف انسانی دانست که فرد آن را در یک رابطه دوطرفه با دیگری تقسیم می‌کند. با این وجود کلمه «عشق» در شرایط مختلف معانی مختلفی را بازگو می‌کند: علاوه بر عشق رمانتیک که آمیخته‌ای از احساسات و میل جنسی است، انواع دیگر عشق مانند عشق عرفانی و عشق افلاطونی، عشق مذهبی، عشق به خانواده را نیز می‌توان متصور شد، درواقع این کلمه را می‌توان در مورد علاقه به هر چیز دوست داشتنی و فرح بخش، مانند فعالیت‌های مختلف و انواع غذا به کار برد.

اوازه عشق:

واژه عشق از عشقه گرفته شده و آن گیاهی است به نام لبلاب، چون بر درختی پیچد آن را بخشکاند. عشق صوری درخت جسم صاحب را، خشک و زرد می‌کند، اما عشق معنوی بیخ درخت هستی اعتباری عاشق را خشک سازد و او را از خود پیراند. عشق در لغت افراط در دوست داشتن و محبت تام معنی کرده‌اند.

در زبان فارسی به کسی که دارای احساس عشق نسبت به کسی دیگر است، دل‌داده و به کسی که مورد احساس عشق طرف دیگر است؛ دل‌بر یا دل‌ربا می‌گویند. واژه عشق در ادبیات فارسی به ویژه ادبیات غنایی، پایگاه و اهمیتی ویژه و والا دارد و بسیاری از شاعران پارسی، درباره عشق و عاشقی، وصف معشوق و سختی‌های عاشقی، اشعاری با ارزش ادبی والا دارند. همچنین گاهی اوقات، این کلمه درباره عشق انسان به خدا نیز آمده‌است که در مقوله عرفان و مذهب می‌گنجد.

عشق به معنی باختن، دو تا را یکی کردن، عشق یعنی زن را فهمیدن مرد را فهمیدن، عذاب کشیدن، عاشق شدن، شاعر شدن، کامل شدن، یا



چگونه لبخند بزنیم؟



حتما شما هم این ضرب المثل را شنیده اید که می گویند هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. یا اینکه؛ لبخند یا خنده بر هر درد بی درمان دواست. البته خنده با لبخند تفاوت دارد که در این مورد نیز در مبحث دیگری صحبت خواهیم نمود.

آیا تا به حالا برایتان اتفاق افتاده است که در یک جمع لبخند بزنید و بعد از این کارتان پشیمان شوید و یا به دیگری بگویید که این لبخندتان معنا دار بود. به قول معروف لبخند داریم تا لبخند. اگر با ما موافق هستید.

به شما خوانندگان گرمای مجله لبخند سبز پیشنهاد می کنیم. مطلب ذیل را با دقت بخوانید و با انواع و اقسام لبخند آشنا شوید.

می گویند؛ ۱۹ نوع مختلف لبخند شناسایی شده که این لبخندها شامل ۱۶ نوع لبخند حاصل از احساس رضایت و شادمانی است. پس با هم میریم که داشته باشیم انواع و اقسام لبخند را. از لبخند ژوکوند گرفته تا لبخند تلخ، شیرین، معنادار و ملس.

۱. فواید لبخند:

اگر قرار است که لبخند بزنید بهتر است از فوایدی که لبخند زدن با خود به دنیای شما می بخشد، آگاه شوید. فواید زیر دلایلی هستند که شما را وادار می کنند لبخندتان را در طول روز با دیگران شریک شوید.

لبخند چهره شما را زیباتر می کند. لبخند زدن یک راه کم خرج است که خود را زیباتر کنید. فقط کافیست چهره خندان و اخموی یک نفر را تصور کنید. کدام زیباتر است؟

یک لبخند ساده در زندگی می تواند به شما بسیار کمک کند. لبخند پیش از کلمات حرف برای گفتن دارد. اگر در میان جمع اشتباهی کرده اید که موجب شرمندگی شما شده، اگر بین شما و دیگری دلخوری پیش آمده و اگر احساس تنهایی و افسردگی می کنید یک لبخند ساده همه چیز را به فراموشی می سپارد. لبخند شما به دیگران نشان می دهد که پذیرای آنها هستید و آماده اید که همه چیز را سر و سامان دهید.

لبخند تفاهم و اعتماد را با خود به همراه می آورد. لبخند یک حس متقابل را منتقل می کند که نشان می دهد شما خود را با آنها در یک سطح می بینید؛ چه رو در رو با کسی باشید و چه در مقابل گروهی از مردم. لبخند این حس را القاء می کند که به طرف مقابل می گوید: "من حس خوبی دارم و قرار است که از لحظات با هم بودن لذت ببریم".

لبخند زدن "واقعاً" به شما احساس خوبی می دهد. حتی اگر کمی احساس کمرختی و بی حوصلگی می کنید، کمی افکار مثبت به ذهن خود تزریق کنید و یک لبخند نیز به آن اضافه کنید. "اندورفینی" که در بدن ترشح می شود باعث می شود فشارهای جسمی و تنش های احساسی شما کاهش یابد. لبخند زدن به دیگران نیز حس خوبی می دهد. لبخند شما از فاصله دور قابل تشخیص است و به دیگران اطمینان می دهد که شما شخص مهربان و دوست داشتنی هستید و به آنها حس خوبی منتقل می کند.

خطوط چروک شما وقتی که حاصل لبخند زدن باشند شکل بهتری دارن تا وقتی که حاصل اخم های شما باشند. لبخند های شما شخصیت شما را بازگو می کنند و هر چه از سن

لبخند زدن یک عمل حرفه ای است. قرار نیست که لبخند زدن محل کار شما را غیر حرفه ای نشان دهد، بر عکس لبخند زدن به شما شخصیت انسانی می بخشد و باعث می شود کارها بهتر پیش بروند. مردم لبخند زدن را نشانه تأیید و تحسین می دانند.

لبخند شما را واقعی تر نشان می دهد. اگر از این می ترسید که لبخند زدن شما را آسیب پذیر نشان دهد، به لبخند های رابرت دنیرو فکر کنید. لبخند بازیگران سینما در عین حالی که واقعی نیستند اما حس نیرومندی همراه با اعتماد به نفس را به شما منتقل می کنند. پس، از لبخند زدن برای نشان دادن اعتماد به نفس خود استفاده کنید که نه تنها شما را آسیب پذیر نشان نمی دهد، بلکه شما را نیرومند تر و سرشار از قدرت و انرژی نشان خواهد داد.

۳. لبخند واقعی:

اگرچه در هنگام ترس، خشم و ناراحتی لبخند زدن امکان پذیر است، اما کپی کردن یک لبخند واقعی، کار آسانی نیست. در واقع تنها ۱۰ درصد از مردم قادر به تقلید یک لبخند واقعی هستند. در یک لبخند واقعی علاوه بر دهان، چشمها نیز می خندند و گوشه چشم ها جمع می شود و در واقع کل صورت با هم لبخند می زنند. اما در یک لبخند غیرواقعی اگر چه لب و دهان می خندند اما بقیه اجزاء صورت بی روح باقی می مانند. یک لبخند واقعی حاصل شادی درون، احساسات مثبت و تصویری زیبا از اعماق وجود شما است. افکار مثبت و شاد در ذهن خود پیروزانید. آسان ترین راه برای یک لبخند زیبا و واقعی این است که احساس شادی و خوشحالی کنید. به چیزی که واقعا عاشق انجام دادنش هستید یا به شادترین لحظه زندگی تان فکر کنید. عاشق دیگران و زندگی تان باشید. ایجاد یک لبخند دوستانه و واقعی هنگامی که عاشق زندگی و آدمهای اطراف خود باشید خیلی آسانتر است. برای تمام آنچه که دارید شکرگذار باشید؛ لبخند به طور طبیعی به صورت شما خواهد نشست. کمی شیطنت و دیوانه بازی بد نیست. شرایط سخت، ما را بیش از اندازه جدی می کنند. زندگی را به صورت یک چالش و ماجراجویی ببینید. در هر شرایطی که هستید در خلوت کمی دیوانه بازی در بیاورید و با دیگران شوخی کنید.

۴. لبخند چشمی:

لبخندی که از اعماق قلب شما بیاید، به چشم هایتان کشیده می شود. شاید خیلی شنیده باشیم که شخصی "چشمهایش لبخند میزند". چشم های شما سرچشمه ی حقیقت هستند. چشمها می درخشند و شادی را منعکس می کنند. برای اینکه دقیقاً درک کنید که چشمان شما چگونه لبخند میزنند، روبروی یک آینه بایستید و سعی کنید لبخند بزنید البته با چشم ها. برای راحتی بیشتر با کاغذی نیمه پایین صورت خود را بپوشانید و لبخند بزنید. ممکن است ببینید که در حالی که لبخند زده اید اما تغییری در چشمها به وجود نیامده و صورت شما کاملاً بی روح است. با کمی تمرین و تسلط بر ماهیچه های صورت می توانید این حالت چشمهای خندان را به حافظه ماهیچه های خود بسپارید و در هر زمانی که اراده کردید با تمام چهره و چشمهایتان لبخند بزنید.

ادامه دارد...

شما بیشتر می گذرد بیشتر خود را نشان می دهند. لبخند بهترین تضمین برای سلامت روح و جسم شما است. لبخند زدن، سلامت، شادمانی، دوستی، موفقیت و عمر طولانی را با خود به ارمغان می آورد.

۲. از لبخند خجالت نکشید

اگر زیاد به لبخند زدن عادت ندارید، غلبه بر استرس و بدبینی نسبت به لبخند زدن نیاز به تمرین دارد. اما مثل هر عادت دیگری با گذشت زمان راحت تر می شود.

نکاتی که باید در ذهن داشته باشید:

لبخند همیشه خوب به نظر می رسد. احساس استرس و خجالت در مورد زیبایی لبخند بی مورد است. باور داشته باشید که با لبخند زدن دوست داشتنی تر به نظر می رسید.

لبخند زدن به دیگران نیز حس خوبی می دهد. لبخند شما از فاصله دور قابل تشخیص است و به دیگران اطمینان می دهد که شما شخص مهربان و دوست داشتنی هستید و به آنها حس خوبی منتقل می کند



آقایان در خانه...

توسط | مهدی صالحی

برای اینکه در زندگی زناشویی زوجین خدای ناکرده محیط شیرین و پر از عسل شان تلخ نشود، بایستی نکات ایمنی را رعایت نموده و به طریقی کانون گرم خانواده را گرم تر نمایند و اجازه ندهند خدای ناکرده کار به جاهای باریک بکشد. یادم می‌آید چند سال پیش خانم و آقای برای خرید به خیابان رفته بودند. زن رو به همسرش کرد و گفت: عزیزم به نظر شما کفش پاشنه بلند بخرم یا پاشنه کوتاه، مرد هم با لبخند تمسخرآمیزی گفت: اگه از من می‌پرسی گالش بخر، برای سر من بهتره!!

پس اگر می‌خواهید کارتان اینجایها نرسد، یکدیگر را درک نمایید. البته در این بین آقایان نقش موثر و بسزایی در تحکیم روابط زناشویی دارند که رعایت نکات ذیل از جمله آن می‌باشد.

۱- هیچ وقت به همسران در مورد پخت غذا کمک فکری ندهید که چه غذایی درست کند اجازه دهید او استقلال فکری داشته باشد.

۲- سعی کنید بیشتر غذاهایی را که پخته است، بخورید تا غذایی نکرده از دست شما عصبانی نشود. ضمن اینکه این کار جلوی چاق شدن ایشان را هم می‌گیرد!
۳- به همسران در جمع کردن خانه کمک نکنید شاید این ریخت و پاش ظاهری یک جور دیزاین جدید باشد که شما از آن بی اطلاع هستید!

۴- وقتی غذا خوردید شروع به جمع کردن بشقابها نکنید شاید همسران دوست دارد یک ربع دیگر ظروف را جمع کند و شما با این کار او را در رودبایستی قرار داده اید!

۵- در حمام آواز بخوانید تا خانواده از اجرای موسیقی زنده بی بهره نباشند و از اینکه آنها را به کنسرت نمی‌برید، گلایه نکنند. همچنین با انجام این کار شما یک عمل فرهنگی نیز انجام داده اید و در رشد و گسترش فرهنگ بخصوص موسیقی کمک کرده اید!

۶- هرگز منزل را جارو نکنید چون از قدیم گفته اند اگر مرد منزل را جارو کند، مهمان می‌آید، بخصوص در اواخر ماه که حقوق دریافت نکرده اید!

۷- وقتی همسران منزل را جارو می‌کند شما پاهایتان را بر ندارید. البته اگر بتوانید روی زمین بشینید بهتر است تا آشغال زیر شما بماند و می‌توانید در مورد این آشغالها تا شب با همسران صحبت نمایید و از این هم صحبتی لذت ببرید!

۸- اگر مهمان دارید هرگز به تنهایی اقدام به خرید میوه نکنید تا بعداً متهم نشوید این چه بنگل‌هایی بود که خریدی!؟

۹- برای اینکه حضور پر رنگ شما در زمینه نظارت بر تمام جوانب زندگی معلوم باشد زمانی که همسران غذا می‌پزد به آشپزخانه رفته و به غذا ناخونک زده و از آن ایراد بگیرد و در پایان بگوید اشکال ندارد دفعه بعد بهتر درست کن!!

۱۰- هرگز لباسها را شما اتو نکنید شاید مدل لباسی چروک باشد و شما ندانید و اشتباهی آن را اتو کنید و یا شاید مدل چروک مد باشد و همسران بخواهد به مد روز بگردد!

۱۱- برای تلویزیون دو عدد کنترل تهیه کنید و یکی را به همسران اختصاص دهید تا او هم بتواند برنامه های مورد علاقه خود را ببیند. البته یادتان باشد که کنترل ایشان بدون باتری باشد و یا اگر باتری دارد، باتری آن خالی باشد!

۱۲- آب بازی یکی از بازی هایی است که خانها خیلی دوست دارند. سعی کنید برای هربار آب خوردن از یک لیوان جدید استفاده کنید تا آنها هم در منزل سرگرمی داشته باشند. البته تاکید می‌شود این کار را در پارک یا محیط خارج از خانه انجام ندهید، زیرا جرم محسوب می‌شود و خودتان باید آنها را بشوید!

۱۳- برای تلویزیون دیدن و خوانیدن برنامه منظم داشته باشید به این ترتیب ساعت ۲۰ اخبار شبکه خبر ساعت ۲۰:۳۰ اخبار شبکه دو ساعت ۲۱ اخبار سراسری شبکه یک ساعت ۲۲ اخبار شبکه سه و ساعت ۲۲:۳۰ اخبار شبکه دو را ببینید و اگر آن شب فوتبال نداشت. تمام برقها را خاموش کرده و بخوابید تا صبح فردا سرحال به سر کار بروید!

۱۴- حداقل روزی ۳ ساعت از وقت خود را به خواندن روزنامه و حل کردن جدول آن اختصاص دهید و در

این زمان هیچ کار دیگری نکنید تا فرهنگ مطالعه در خانواده شما نهادینه شود!

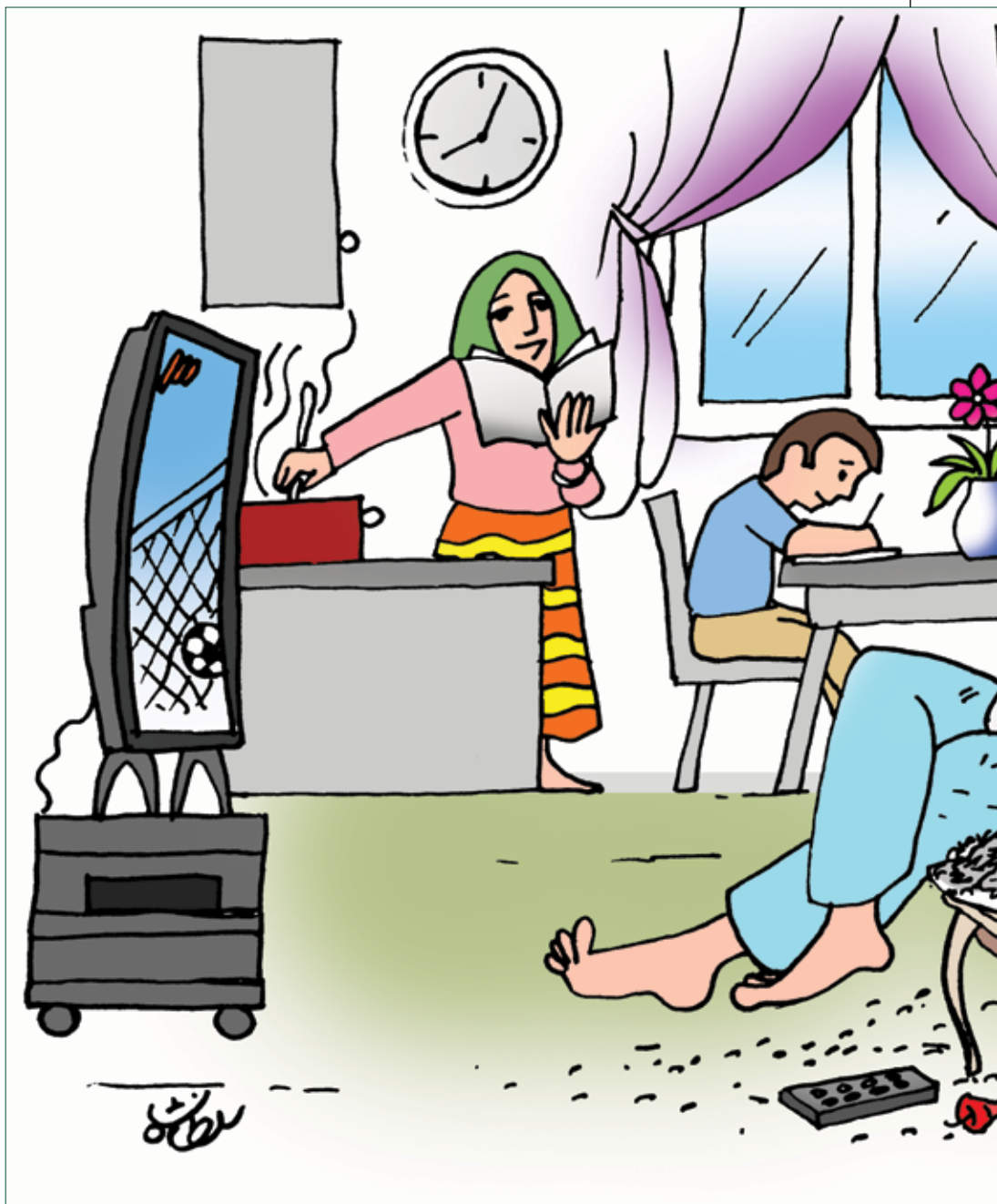
۱۵- هر زمان همسران لباس جدیدی خرید و یا تغییر جدیدی کرد خیلی از خودتان واکنش شدید نشان ندهید بلکه این اوج هیجان را سالی یک یا نهایت دو بار از خود بروز دهید تا همسران شگفت زده شود چون ارائه احساسات همیشگی باعث یک نواختی زندگی می‌شود!

۱۶- زمان‌هایی را برای اینکه همسران تنها باشد و خوب فکر کند اختصاص دهید مثل زمان پاک کردن سبزی و یا زمان شستن میوه و زمانهای دیگر از این دست سعی کنید در این زمانها شما نیز به استراحت پرداخته و یک چُرت کوچک حدوداً بین دو تا چهار



عشق و زندان

منو مهتاب و نسیم و دریا
در کنار ساحل
آمد کمکم باران
صورتم را بوسید
و گلی با شادی
دست در دستم داد
چند بیتی بسرود
غزل از شوق دل خوشحالم
ناگهان
هم سرم پیدا شد
همه دخترکان در رفتند
تن من گشت سیاه
مهریه شد اجرا
بخت من هم خواهید
باز شکرش باقی است
نفسی می آید
کنج این زندانم



راحتی انجام دهد، به قول معروف آنها ضعیفه!! هستند کارهایی در حد آوردن یک لیوان آب و نه بیشتر.

۲۰- هر چند وقت یکبار شما غذا درست کنید و سعی کنید از تمام ظروف آشپزخانه استفاده کنید تا خمس به آنها تعلق نگیرد و اجازه دهید همسران این ظرفها را بشوید تا او هم در این عمل خدا پسندانه شریک شود!

به هر حال هدف ما از بیان این مطالب مختصری از کارهایی است که به تحکیم روابط زناشویی و پایین آمدن آمار طلاق منجر می شود و لاغیر.... امید است مورد توجه و پسند آقایان قرار گرفته باشد!!

ساعت بزیند!

۱۷- هر چند دقیقه یک بار از همسران بپرسید «چه کار می کنی؟» و او هرچه جواب داد! شما بگویید «راحت باش، راحت باش» با این کار به او اثبات می کنید که چقدر برایتان اهمیت دارد!!

۱۸- زمانی که همسران دارد کار می کند خیلی آرام بدون اینکه دیده شوید به پیش او بروید و پخ کنید تا او بترسد و با این کار خستگی او بیرون رفته و لبخند می زند البته خیلی سریع محل را ترک کنید چون امکان آسیب دیدن شما هم وجود دارد!

۱۹- از همسران بعضی وقتها چیزهایی را بخواهید البته خیلی چیزهای سختی نباشد که آن بنده خدا هم بتواند به

نامه‌ای به هواپیمای مسافربری

قبل از پرواز

جناب هواپیمای مسافربری سلام، الان که این نامه را برای تو می نویسم، اصلا حال و روز خوشی ندارم. اما می دانی بهترین و عزیزترین افراد خانواده ها را با خودت به همراه داری. قبل از پرواز چند خواهش از شما دارم. درست است که جان دار نیستی و عاطفه انسانی نداری، اما می دانم بیشتر از شرکتهایی که تو را این طرف و آن طرف می کنن. حرف دل مرا می شنوی و درک می کنی و اینقدر... نیستی!

بنده اصلا به این موضوع کاری ندارم که اهل کجا هستی، روسی هستی، توپولف هستی، کپل اف هستی، شرقی هستی، غربی هستی. بانکی هستی، بانکی هستی، بابکی هستی، بی بکی هستی، فرازی هستی، تابانی هستی، از قله های زاگرس هستی، ایرانی هستی، آسمانی، کپکشان، مامانی، ماهانی، معراجی یا...

اصلا کاری ندارم که سروقت می پری، تاخیری هستی آنهم چهار، پنج ساعت با گردن کلفتی جواب مسافر را می دهی.....!! داداش قریبون اون شکل رنگ کرده و رنگ پریده ات بشم، قبل از پریدن و بیرون رفتن به دستی به شکل و شمایل خودت بکش. خواب آلوده و بی حال میخوای بری بیرون. خوب معلومه سگ دستت می بره، میری تو باقالی ها.... اینقدر که پول در آوردن برای صاحبات مهمه. چون مردم و مسافرها هم براتون مهم باشه!! ایشالا اون جعبه سیاهت بخوره تو سر استکبار جهانی از دستش راحت بشیم تا بهونه ای نداشته باشی!

داداش، قبل از بیرون رفتن، یک آچارکشی، تعویض روغنی، گریس کاری. به سر برو میدون شوش چند حلقه لاستیک دست دوم بخر بنداز زیرت تا ترکی، لاستیکی لازم بشی. بابا، حاضرم به

جای اون کثلت ها و کوکوهاي آنچنانی و یا پلوهای هندی به دستی به سر و روی خودت بکشی. تا ما خیالمان از پدر و مادر، مادر بزرگ، عمه و خاله مان که مسافر تو هستند راحت باشه. اصلا نپر. دنیا که به آخر نمی رسه. به کاری نکن موتور بیفته تو اسلامشهر و دنبال اون توی داشبورد و زیر صندلی مسافر بگردن. آخه یکی نیست بهت بگه داداش مگه موتور گازیه اینجوری بی خیال قضیه شدی.

بنده حقیر دوران جوانی با موتور گازی می خواستم از باغ فردوس مولوی برم میدون ولی عصر شیش دفعه شمع و پلاتین و ژیکلور موتورم رو چک می کردم. ۶۰۰ مسافر رو سوار کردی. بی خیال داری میری دنبال پول درآوردن. مگه مفتی میری داداش. خلاصه از ما گفتی. اگه حال و روز خوبی نداری. برو تو آشیانه ما زمینی میریم. داداش به حرکتی از خودت نشون بده. قبل از پرواز. به عطسه ای، سرفه ای، نشونه ای از بیماریت نشون این مسئولان پرواز بی حال بده. شاید فکری بکنن! تا دیروز که در تحریم بودیم نمی تونستیم برات دکتر و دوا بیاریم. به مدتی هم که تحریم ها را دور زدیم به سری وارد کردیم، اما علی رغم دور زدن تحریم ها و خوردن دوا به شما، باز هم که بلند نشده

و روی آسمون نرفته داری دور می زنی. اون دور زدن با دور زدن شما خیلی فرق داره. حالا تو هم دور زنی شدی؟! بابا به لحظه به فکر اون ۶۰۰ تا مسافر روی آسمون باش که متوجه میشن موتور هواپیما جلوتر از اونا رفته.....!! نخند آقا گریه کن.....!! تازه موضوع هنوز در دست بررسیه. آقا این بررسی تون منو کشته، بی صداقتی تون منو کشته.....! شاید استکبار جهانی توطئه کرده و اصلا این موتوری که توی اسلامشهر افتاده مال پراید با آر دی بوده شاید هم متعلق به یکی از ژانهای قدیمی بوده که افرادی معلوم الحال با استفاده از تاریکی شب شبانه آن را در زمین کشاورزی رها کرده و خود نیز متواری گشته اند.....!!

بین من دارم زمینی میرم مشهد، ولی به فکری به حال خودت بکن. والله تو از همه ما سرحال تر بودی. نکته رفتی تو مدارس مواد زدی؟ اگه مشکلی داری بگو. یارانه ات را قطع کردن بگو. برو تو سایت اعتراض بزن، ما هم رفتیم اما نه سایتی بود و نه خبری..... می دونم تو هم سر کاری اما لااقل مشکل کارت سوخت که نداری..... ایشالا بزودی سرعتی بیایی و زمانی که حال نداری، یا مریضی پرواز نکنی.



چگونه با وسایل اضافی منزل جا مدادی بسازیم؟!

مقدمه: با آموزش ساخت کاردستی ساده برای کودکان در خدمت تان هستیم. شما می توانید کاردستی های جالب و زیبایی با وسایل بازیافتی و بدون استفاده برای بچه ها درست کنید. ساخت کاردستی های جالب و خلق ایده های جدید برای همه ما لذت بخشه و کمک می کند کارهای هنری جدیدی انجام بدهیم. با این آموزش متفاوت ما را همراهی نمایید.

نحوه ساخت کاردستی ساده با مواد دور ریختنی:

ساخت این کاردستی ساده و زیبا خیلی راحت است و شما می توانید با وسایلی که در منزل برایتان کاربرد ندارد و از آنها هیچ استفاده ای نمی کنید این کاردستی متفاوت و جالب را بسازید. وسایلی که برای ساخت این مدل کاردستی نیاز دارید شامل قوطی های نوشابه خالی، رول های مقوایی دستمال کاغذی و وسیله هایی از این دست است که می تواند برای ساخت جاقلمی به ما کمک کند. علاوه بر این ها به مقداری پارچه و چسب نیز احتیاج داریم.

برای شروع وسایل و قوطی هایی که آماده کردید را با پارچه و به کمک چسب بپوشانید.

روی یک تکه مقوای ضخیم طرح چیدمان جاقلمی را بکشید و آن را بعد از برش زدن با پارچه کامل بپوشانید.

وسایلی را که از قبل آماده کرده اید با دقت روی سطح صافی که با پارچه پوشانده بچسبانید. کاردستی ما تقریباً آماده است. حالا با کمک گرفتن از سلیقه شخصی تان این کاردستی ساده را تزئین کنید.

برای تزئین می توانید از انواع برش های پارچه استفاده کنید. مثلاً با پارچه ها انواع گل های پارچه ای بسازید و یا از تورها و نوارهای مختلف برای تزئین این کاردستی استفاده کنید.

این هم نمونه تکمیل شده کاردستی ما که می توانید علاوه بر جاقلمی به عنوان جای وسایل آرایش و حتی گلدان استفاده کنید.



1



2



3



4



5



6



7



8



9



10



11



11

امیدواریم از ساخت این کاردستی ساده و زیبا لذت برده باشید و حتماً برای بچه ها درست کنید. دوستهای هنرمند برای مشاهده مدل های بیشتر و آموزش های متنوع تر حتماً سری به بخش کاردستی هنر در خانه بزنید.

ازدواج سبزی جدی یا فکاهی؟

مشاور ازدواج و خانواده با بیان اینکه مشکل ازدواج جوانان بوق زدن یا نزدن و خرید گل طبیعی یا مصنوعی نیست، گفت: طرح هایی مانند ازدواج سبز بیشتر به یک فکاهی اجتماعی شبیه است که از سوی وزارت ورزش جوانان مطرح شده است.



سازمان آب و فاضلاب همکاری نمی کند؟!

اگر منظور استفاده نکردن از گل طبیعی باشد می توان پرسید: در ختم و عزا که گل نبریم و به جای آن به ایتم و خیریه ها کمک کنیم، در بیمارستان ها و هنگام عیادت هم که نباید گل ببریم چون ممکن است حساسیت زا باشد، در عروسی ها هم گل طبیعی مصرف نکنیم؟! آیا منظور آن این است؟ پس گل طبیعی را کجا باید مصرف کرد؟ خنده دار و در واقع گریه آور نیست که فردی به خود اجازه دهد به نام محیط زیست گل طبیعی را تخطئه کند؟ آیا مردم کار می کنند و مالیات می پردازند تا از محل مالیات های آنان افرادی به منصب برسند و حقوق و مزایا بگیرند که چنین سخنانی از آنان صادر شود؟

آخر، مصرف آب چه ربطی به ازدواج دارد یا شما چه کاره هستید که بگویید فلان شادی غلط است یا درست؟ ایران، کشوری کثیر الاقوام است و هزاران سال است که مردم مطابق سنت های خود به شادی می پردازند یا در فقدان عزیزان شان به سوگ نشسته اند. این سخنان به قدری مضحک است که در بادی امر انسان تصور می کند در حال خواندن مطلب طنز است.

ازدواج، پیمان یک زندگی مشترک و ایجاد یک بنیاد است. موضوع محدود به مراسمی در یک شب نیست که میزان مصرف آب و نوع شادی و طبیعی بودن یا نبودن گل های جشن، سبزی آن را تعیین کند. امکان است دو نفر ازدواج کنند و جشنی نگیرند که این بحث ها موضوعیت داشته باشد. دل آدم به حال این کشور می سوزد که چقدر نگاه تنگ و کوچکی در برخی دستگاه ها جریان دارد که خیال می کنند ازدواج همان مراسم عروسی است. این مراسم هر چه باشد، مجلل یا محقر، پر مصرف یا با امساک چند ساعت است و تمام می شود و می رود پی کارش! آن دو هستند و سال های سال پیش رو، سبزی اگر باشد که باید باشد در مناسبات و روابط است.

سخنان شادی آور آقای معاون در خبری که ایسنا منتشر کرده با این جمله خاتمه می یابد که برخی از الگوهای اجتماعی غلط که در حال حاضر مورد توجه نیستند اما ممکن است در آینده به آنها توجه شود نیز مد نظر قرار دارند. یعنی ایشان علم غیب هم دارد و می داند در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد و می خواهد جلوی آنها را هم بگیرد و نام این مضحکه را هم گذاشته ازدواج سبز!

ازدواجی سبز است که عاقلانه و پاشناخت و احترام متقابل انجام شود. ربطی به گل ها و آب مصرفی در مراسم ندارد! الگوهای یک جامعه در طول قرون و با مولفه های گوناگون شکل گرفته و امثال آقای رستمی نمی توانند برای مردم الگو تعیین کنند. الگوی مردم شخصیت های سیاسی و فرهنگی و هنری و اجتماعی است.

واقعا اگر در مراسم ازدواج گل طبیعی استفاده نکنند، شادی نکنند، بوق نزنند و آب مصرف نکنند ازدواج سبز شکل گرفته است؟ تا این حد ساده انکار شده ایم؟!

معاون سامان دهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان از اجرای طرحی با عنوان «ازدواج سبز» با هدف «اصلاح الگوهای اجتماعی و زیست محیطی» خبر داده است.

در نگاه اول به نظر می رسد وزارت ورزش و جوانان تکانی به خود داده و پس از مدت ها غفلت از مقوله «جوانان» می خواهد موضوعات مرتبط با جوانان را نیز مانند ورزش مورد توجه قرار دهد و طبعاً این کنجکاوی درمی گیرد که «ازدواج سبز» چیست؟ پاسخ مبتکر این ایده از این قرار است: «در این طرح قصد داریم شاخص های محیط زیستی و ازدواج را به عنوان دو امر اجتماعی و محیط زیستی ترکیب کنیم و الگوی جدیدی با عنوان ازدواج سبز را به جوانان ارائه کنیم. در این الگو مواردی که می تواند کمک کننده محیط زیست باشد به عنوان ملاک و معیار قرار داده ایم. در این شاخص ها موضوعاتی مانند مصرف آب در عروسی ها و سایر مراسم مرتبط با ازدواج مدیریت می شوند. همچنین مسائلی از جمله استفاده از گل طبیعی و فرهنگ غلطی که به عنوان شادی استفاده می شود و آلودگی های زیست محیطی ایجاد می کنند مانند بوق زدن های مکرر در سطح خیابان و ایجاد ترافیک پرداخته می شود.»

در این طرح قصد داریم شاخص های محیط زیستی و ازدواج را به عنوان دو امر اجتماعی و محیط زیستی ترکیب کنیم و الگوی جدیدی با عنوان ازدواج سبز را به جوانان ارائه کنیم. در این الگو مواردی که می تواند کمک کننده محیط زیست باشد به عنوان ملاک و معیار قرار داده ایم

دقت می فرمایید؟ مشکل اصلی درباره ازدواج، مراسم عروسی است! در مراسم عروسی هم این مشکلات وجود دارد: «میزان مصرف آب، فرهنگ غلط در شادی و گل های طبیعی!» البته ایشان منظور دقیق خود را درباره گل های طبیعی روشن نمی کند که مصرف شود خوب است یا نشود. به نظر نمی رسد توصیه شان به مصرف کردن باشد چون در حال حاضر مصرف می شود و این طور احساس می شود که مشکل ایشان با مصرف است. اما طبیعی بودن یا نبودن گل ها چه ربطی به معاونت امور سامان دهی دارد؟ گل چه طبیعی چه مصنوعی یک کالا است و این کالا در جاهای گوناگون مصرف می شود. آیا منظورشان این است اگر آب کمتر مصرف کنیم و گل طبیعی هم استفاده نکنیم یا استفاده کنیم این ازدواج سبز می شود؟!

از ایشان می توان پرسید: چرا این پروژه را تنها با سازمان حفاظت محیط زیست در میان گذاشته اید؟ اگر مشکل در مصرف آب مراسم عروسی است چرا در این طرح مشعشع با وزارت نیرو یا

حجت الاسلام مرتضوی کیاسری در گفت و گو با فارس ضمن انتقاد از طرح ازدواج سبز که اخیراً از سوی معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان مطرح شده است، گفت: به اعتقاد بنده جوان و موضوعات مربوط به جوان کلافه سردرگمی در جامعه است که به دلیل مهم بودن و بزرگ بودن عده ای از ما اهمیت آن را درک نمی کنیم و برخی نیز حاضر نیستند به خاطر اهمیت و بزرگ بودن این مسئولیت آن را به شانه بکشند.

وی ادامه داد: اما هر از چند گاه برای خالی نبودن عریضه مسئولان امور اجتماعی سازمان های مردم نهاد و مسئولان دولتی تلاش می کنند خودی نشان دهند و طرح های نویی را مطرح کنند، اما متأسفانه تاکنون هیچ طرح قابل اعتنای تأثیرگذار در امور جوانان وجود نداشته است. این مشاور امور ازدواج و خانواده اظهار داشت: در وزارت ورزش و جوانان هم مسئولان گاهی عرض اندام می کنند و طرح هایی را ارائه می دهند که بیشتر به یک فکاهی شباهت دارد. وزارت ورزش جوانان در بخش ساماندهی امور جوانان موضوعاتی مطرح می شود که نشان می دهد مسئولان می خواهند بگویند ما هم جوانان را دوست داریم در حالیکه ما

به دنبال ازدواج سبز و ازدواج قرمز نیستیم بلکه باید ازدواج ها مهربانانه باشد، مشکل جامعه ما بوق زدن یا نزدن در خیابان ها و یا نخریدن گل نیست طلاق به خاطر بوق زدن های زیاد یا به خاطر نخریدن یا خریدن گل به وجود نمی آید. وی افزود: مشکل جوانان در حوزه ازدواج دو چیز است یکی در حوزه نرم افزاری و دیگر در حوزه سخت افزاری است. در حوزه نرم افزاری سطح شناخت جوان از اهمیت بنیان خانواده باید بالا برود چرا که خانواده تمام واحدهای اجتماعی را تغذیه می کند و می تواند مولد تمام نهادهای تأثیرگذار در یک جامعه باشد.

وی تصریح کرد: مشکل دوم در حوزه ازدواج جوانان مسائل سخت افزاری مانند وام ازدواج، مسکن و اشتغال و در مجموع مسائل اقتصادی است، بنابراین مشکل جوانان نه گل است و نه بوق، بلکه فکر در حوزه خانواده و پول جهت امکان برگزاری نظام خانواده است. این مشاوره ازدواج ادامه داد: آنچه که وزارت ورزش و جوانان هم اکنون انجام می دهد مشکلی را حل نمی کند وقتی معاون وزیر از افراد متخصص استفاده نکند و نظرات آنها را جویا نشود به جایی می رسیم که به جای حل مشکل موضوعاتی مطرح می شود که بیشتر یک فکاهی اجتماعی است.

مضحک ای به نام طرح ازدواج سبز!





در مردان ذکر کرد و گفت: این کار غلطی است که همه دولت‌ها هم انجام می‌دهند، آقای روحانی هم می‌گوید حق زنان درست ادا نشده است، حق زن این نیست که کار کند این است که دولت، مردان را از نظر مالی تأمین کند تا آنها با بانوان ازدواج و به آنان خدمت کنند.

امام جمعه اصفهان در ادامه تصریح کرد: بعضی کارها است که مختص زنان است و انجام دادن آن از سوی مردان اشکال شرعی دارد، مشاغل نظیر مامایی، پرستاری، دندان پزشکی و همه اقسام پزشکی نیازمند حضور بانوان است، معلم و مدرس و استاد دانشگاه زن نیاز واقعی جامعه است اما برخی کارهایی که بین زن و مرد مشترک است نظیر کار در شرکت‌ها و مغازه‌ها اولویت باید با مردان باشد.

وی با بیان این‌که حیا و خجالت کشیدن نعمت است ابراز کرد: اگر حیا و خجالت از بین برود مشکلات بسیاری به وجود خواهد آمد و موجب فساد خواهد شد، باید فعالیت زنان در مغازه‌ها و ادارات و شرکت‌ها ممنوع باشد، به جای آن اسباب و لوازم حضور زنان در کارهای تخصصی بانوان فراهم شود.

مدیر حوزه علمیه اصفهان با اشاره به کمبود پزشک و پرستار زن گفت: به وزیر علوم هم در جلسه‌ای تذکر دادم که کشور ما انگار در برخی مسائل دارای سرپرست و متولی نیست، نباید این‌چنین باشد که دختران رشته‌های مهندسی معدن بروند اما کمبود پزشک و پرستار زن داشته باشیم، معدن جای مناسبی برای کار بانوان نیست و حضور دختران در این رشته‌ها برخلاف اسلام است.

نماینده ولی فقیه در استان اصفهان خاطرنشان کرد: معنی این‌که از دختران ما عکس منتشر می‌شود که راننده تریلی و کامیون هستند این است که هنوز ته دل ما آمریکایی است و هنوز مسلمان واقعی نشده‌ایم، شاه هم می‌گفت رسیدن به دروازه تمدن از طریق نامستوری و برهنگی زنان و دختران میسر می‌شود. وی ضمن تأکید بر حل معضل بیکاری از طریق اولویت بخشی به اشتغال مردان تصریح کرد: باید زنان بدانند یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های آنان خانه داری است، متأسفانه برخی فکر می‌کنند خانه داری اشتباه است، زنانی هستند که در یک اداره مشغول فعالیت‌های خدماتی هستند ولی کارهای خانه خود را انجام نمی‌دهند، حمایت از ازدواج و مبارزه با طلاق از طریق اشتغال مردان تا حد زیادی برطرف خواهد شد.

آیت الله طباطبایی نژاد پولدار شدن زنان را یکی دیگر از عوامل طلاق و عدم تمایل به ازدواج دانست و ابراز کرد: مهریه‌های زیاد یکی از علت‌های طلاق در جامعه است، روحیه زن و مرد بسیار متفاوت است، مهریه‌های بالا موجب گرایش زنان به طلاق خواهد شد، برخی به علت این‌که به عاقبت کار خود فکر نمی‌کنند درخواست طلاق می‌دهند و با گرفتن مهریه به صورت جدا زندگی می‌کنند و حاصل این کار فساد خواهد بود.

امام جمعه اصفهان در ادامه اظهار کرد: بانوان هم می‌توانند فساد را بسیار بیشتر از مردان در جامعه گسترش دهند و هم می‌توانند نقش بسزایی در گسترش معروفات و معارف دینی در جامعه داشته باشند و علت این‌که تأکید داریم بانوان وارد حوزه علمیه شوند به همین علت است.



امام جمعه اصفهان:

فعالیت زنان در مغازه‌ها، ادارات و شرکت‌ها باید ممنوع شود!

دهند باید به اشتغال مردان توجه کنند، این درست نیست که زن شاغل باشد و مرد بیکار، مرد تحقیر می‌شود وقتی که بخواهد از همسر خود پول بگیرد در حالی که زنان از این‌که شوهرشان از آنها حمایت مالی می‌کنند لذت می‌برند.

آیت الله طباطبایی نژاد بیکاری مرد را موجب ناراحتی‌های شدید روحی و روانی

معنی این‌که از دختران ما عکس منتشر می‌شود که راننده تریلی و کامیون هستند این است که هنوز ته دل ما آمریکایی است و

هنوز مسلمان واقعی نشده‌ایم



مشکلات

جامعه تصریح کرد: آنچه که اسلام دستور داده است به نفع زن است، بیشتر مسائلی که در اسلام مطرح می‌شود به سود زنان و در راستای حفظ کرامت و شأنیت بانوان است و باید این مسائل به درستی در جامعه تشریح و تبیین شود، زنان حتی برای کارهای خانه و شیردادن بچه هم می‌توانند از همسر خود پول دریافت کنند، همه مخارج برعهده مردان است و به همین دلیل اشتغال آنها باید در اولویت باشد. وی ادامه داد: حکومت اسلامی باید منافع مالی مردان را تأمین کند تا آنها بتوانند به زنان خدمت کنند، کسانی که برای رأی آوردن به عنوان طرفداری از زنان آنها را فریب می‌دهند و دائماً شعار حمایت از حقوق زنان سر می‌



شوخی با ضرب المثل های

مدیریت محترم مجله لبخند سبز از بدو تاسیس و شکل گیری مبنای کار را به پرداختن به مطالب شاد، سرگرم کننده و طنزآلود استوار نموده است. ما هم که در آبدارخانه نشریه بیکار نشسته بودیم، فرصت را غنیمت شمردیم و تصمیم گرفتیم دست به قلم شویم و در کنار حرفه شریف آبدارخانه چند سطری قلم بزنیم. البته نه قلم بنایی و نقاشی، بلکه نوشتاری.

به همین خاطر در گام اول به سراغ ضرب المثل های خارجی رفتیم، اینجوری نه کسی از دستان ناراحت میشه و نه کسی شکایت می کنه و برچسب چپ و راست نثارمان میکنه. تازه اینجوری یه ترفیع هم جهت دست انداختن خارجی ها می گیریم. به هر حال اینجوری خودمون هم بیشتر دوام میاریم. خدایی دلتون از ما نگیره. فقط مطالب من باب لبخند است و بس. آقا بزن زنگو بریم داخل گود....

■ هنگام ازدواج بیشتر با گوش هایت مشورت کن تا با چشم هایت. (ضرب المثل آلمانی)
■ بنده ترجیح میدم با جیبم مشورت کنم!
■ هیچ زنی در راه رضای خدا با مرد ازدواج نمی کند. (اسکاتلندی)
■ نه اینکه آقایان بخاطر رضای خدا ازدواج می کنن....!
■ مردی که به خاطر "پول" زن می گیرد، به نوکری می رود. (ضرب المثل فرانسوی)
■ فرقی نمی کنه، در هر صورت اون قضیه نوکری سر جای خودشه....!
■ با همسر خود مثل یک کتاب رفتار کنید و فصل های خسته کننده او را اصلاً نخوانید. (سونی اسمارت)
■ اینجوری فقط فصل اولش رو باید خواند!
■ لیاقت داماد، به قدرت بازوی اوست. (چینی)
■ چی می خوریم که قدرت بازو داشته باشیم!
■ برای یک زندگی سعادتمندانه، مرد باید "کر" باشد و زن "لال". (سروانتس)
■ مردها که در خانه کر مادرزاد هستند البته موقع پول دادن. خانم ها هم لال و غیرلال فرقی ندارن، منظورشونو می رسونن....!
■ اصل و نسب مرد وقتی مشخص می شود که آنها بر سر مسائل کوچک با هم مشکل پیدا می کنند. (شاو)
■ همسر مربوطه از روز اول اصل و نسب بنده رو برده تو انباری قایم کرده، دزد نبره! اجباراً با اصل و نسب (فامیل) خودش زندگی می کنیم!!
■ زنی سعادتمند است که مطیع شوهر باشد. (یونانی)
■ البته آقایان بخاطر دور نماندن از قافله، مطیع تر به نظر می رسن!!
■ زن عاقل با داماد "بی پول" خوب می سازد. (انگلیسی)
■ و مردعاقل بدون پول ازدواج نمی کند!
■ زن مطیع، فرمانروای قلب شوهر است. (انگلیسی)
■ این انگلیسی ها هم دلشون خوشه!
■ زن و شوهر اگر یکدیگر را بخواهند در کلبه ی خرابه هم زندگی می کنند. (آلمانی)
■ این مال اول کاره داداش، بعدش داماد میره تو خرابه میخوابه. بقیه اش رو هم خودتون می دونین!
■ داماد زشت و با شخصیت به از داماد خوش صورت و بی لیاقت. (لهستانی)
■ خدا برکت بده به گریم و بوتاکس....!! منظورم اون نیستو....!
■ دخترعاقل، جوان فقیر را به پیرمرد ثروتمند ترجیح می دهد. (ایتالیایی)
■ اگه پیدا کردی سلام مارو بهش برسون!
■ داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بداخلاقی محروم گشته ای. (فرانسوی)
■ غصه نخور شتریه که در خونه همه می خوابه!

■ دو نوع زن وجود دارد؛ با یکی ثروتمند می شوی و با دیگری فقیر. (ایتالیایی)
■ و با سومی زندگی می کنی....!
■ در موقع خرید پارچه حاشیه آن را خوب نگاه کن و در موقع ازدواج درباره مادر عروس تحقیق کن. (آذربایجانی)
■ مشکل بنده مادر عروس نیست، حاشیه های دورشه داداش!
■ برای یافتن زن می ارزد که یک کفش بیشتر پاره کنی. (چینی)
■ اگه کفشت چینه، دو جین بخر!!
■ اگر خواستی اختیار شوهرت را در دست بگیری اختیار شکمش را در دست بگیر. (اسپانیایی)
■ قربون آدم چیز فهم....!
■ اگر زنی خواست که تو به خاطر پول همسرش شوی با او ازدواج کن اما پولت را از او دور نگه دار. (ترکی)
■ اگر هم دروغ گفت و پول نداشت، خودت را از او دور نگه دار!!
■ ازدواج مثل یک هندوانه است، گاهی خوب می شود و گاهی هم بسیار بد. (اسپانیایی)
■ ببر و بخر، به شرط چاقو....!!
■ ازدواج، زودش اشتباهی بزرگ و دیرش اشتباه بزرگتری است. (فرانسوی)
■ و تکرارش اشتباهی عظیم.....!!
■ با قرض اگر داماد شدی با خنده

خداحافظی کن. (آلمانی)
■ بدون قرض هم خداحافظی کن....!!
■ اگر می خواهی برای یک روز معذب باشی مهمان دعوت کن. اگر می خواهی یک سال عذاب بکشی پرنده نگه دار و اگر می خواهی مادام العمر در عذاب باشی ازدواج کن! (چینی)
■ پس شما چشم بادامی ها چه جوری جمعیت تان میلیاردری شده! از خودتون فتوکپی و زیراکس گرفتین....!!
■ زناشویی غصه های خیالی و موهوم را به غصه نقد و موجود تبدیل می کند. (آلمانی)
■ سیلی نقد به از حلوائی نسیه....!
■ دوام ازدواج یک قسمت روی محبت است و ثقه قسمتش روی گذشت از خطا. (اسکاتلندی)
■ انسان جایز الخطاست....!
■ اگر کسی در انتخاب همسرش دقت نکند، دو نفر را بدیخت کرده است. (ناشناس)
■ آقای ناشناس؛ راست بگو، اولی هستی یا دومی...؟!
■ انتخاب پدر و مادر دست خود انسان نیست، ولی می توانیم مادر شوهر و مادر زن مان را خودمان انتخاب کنیم. (پرل باک)
■ مادرو ببین، دختر و بگیر!
■ با زنی ازدواج کنید که اگر "مرد" بود، بهترین دوست شما می شد. (بردون)
■ داداش اگه پیدا کردی به فکر آبدار خونه ما هم باش!!
■ ازدواج پیوندی است که اگر از درختی به درخت دیگر بزنند، اگر خوب گرفت هر دو "زنده" می شوند و اگر "بد" شد هر دو می میرند. (نیوتن)
■ ازدواج پیوندی هم مثل میوه پیوندی نیاز به هرس داره!
■ ازدواج بیشتر از رفتن به جنگ "شجاعت" می خواهد. (کریستین)
■ آخ. کجایی پسر شجاع....!!
■ تا یک سال بعد از ازدواج، مرد و زن زشتی های یکدیگر را نمی بینند. (اسمیرا)
■ چون با دلشان زندگی می کنن، نه با عقل شان!
■ پیش از ازدواج چشم





Laugh Marriage Style

البته بستگی به دکوراسیون صحنه و سناریو داره اینو
 جدی گفتم..... نخند آقا لبخند بزن.....!!
 ازدواج پدیده ای است برای تکامل مرد. (سانسکریت)
 و البته شناخت زن.....!!
 ازدواج مثل شهر محاصره شده است؛ کسانی که داخل
 شهرند سعی دارند از آن خارج و آنها که خارج هستند کوشش
 دارند که داخل شوند! (فرانکلین)
 شهر، شهر فرنگه، از همه رنگه.....!!
 ازدواج قرارداد دو نفره ای است که در همه دنیا اعتبار
 دارد. (مارک تواین)
 البته با مدرک معتبر..... (روابط عمومی هتل داران)!!
 ازدواج مجموعه ای از مزه هاست هم تلخی و شوری دارد،
 هم تندی و ترشی و شیرینی و همینطور بی مزگی. (ولتر)
 بی مزه گی ها شو بزار پای خوشمزه گی های من.....!!
 (چقدر خندیدیم!)
 تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره آن اظهار نظر کنی.
 (شارل بودلر)
 پری، رفتنیو، حالا از ما گفتن از شما هم نشنیدن.....!!
 ازدواج مقدس ترین قراردادها محسوب می شود. (ماری
 آمپر)
 موقت یا دائمیش.....!!
 ازدواج کردن و ازدواج نکردن هر دو موجب پشیمانی است.
 (سقراط)
 بشتابید که غفلت موجب پشیمانی ست.....!!
 مجردان بیشتر از متاهلین درباره زنان اطلاع دارند، چون
 اگر نداشتند آنها هم ازدواج می کردند! (اچ.ال.منکن)
 شاید هم دستشان بهش نمیرسه.....!!
 ازدواج برای کسانی که تصور می کنند صبح روز بعد از
 آن، آدم دیگری می شوند موضوعی ناامیدکننده است. (ساموئل
 راجرز)
 شک نکنید آدم همسرتان خواهید شد. اون می تونه شما
 رو آدم کنه.....!!
 قبل از ازدواج، مرد قبل از خواب به حرف هایی می
 اندیشد که همسر آینده اش گفته است، اما بعد از ازدواج،
 مرد قبل از اینکه همسرش حرف بزند به خواب می رود!
 (هلن رولان)
 و در راه خانه، فکر می کند همسر امشب چه حرف هایی
 خواهد گفت!!
 خیلی بامزه است هنگامی که زنان از ازدواج خودداری می
 کنند اسمش را می گذاریم عشق به استقلال اجتماعی. اما
 وقتی مردان از ازدواج خودداری می کنند به آن می گوئیم
 ترس از مسوولیت اجتماعی! (وارن فارل)
 استقلال تهران، اهواز، خوزستان و... شنیده بودیم، این
 استقلال اجتماعی دیگه چه سیغه ای است؟!
 ازدواج مثل اجرای یک نقشه جنگی است که اگر در آن
 فقط یک اشتباه صورت بگیرد جبرانش غیر ممکن خواهد
 بود. (بورنزن)
 دیر گفتی داداش، کار از کار گذشته. نوش دارو بعد مرگ
 سهراب!!
 ازدواج همیشه به عشق پایان داده است. (ناپلئون)
 و گاهی برعکس.....!!
 ازدواجی که به خاطر پول صورت گیرد، برای پول هم از
 بین می رود. (رولاند)
 بخاطر همینکه ازدواج نمی کنم، میدونم آخرش به
 جوری به پول ختم میشه.....!!
 زنان با این آرزو با مردان ازدواج می کنند که مردان تغییر
 کنند؛ که نمی کنند. مردان هم با این آرزو با زنان ازدواج
 می کنند که زنان تغییر نکنند که می کنند! (آلبرت انیشتین)
 آرزو بر جوانان عیب نیست.....!!

بیکر)
 خدایی باز هم درک نمی کنند.....!!
 با ازدواج، مرد روی گذشته اش خط می کشد و زن روی
 آینده اش. (سینکالویس)
 پس تکلیف حال چی میشه؟!
 خوشحالی های واقعی بعد از ازدواج به دست می آید.
 (پاستور)
 بشنو و باور نکن!! ببخشید باور کن.....!!
 ازدواج کنید، به هر وسیله ای که می توانید. زیرا اگر زن
 خوبی گیرتان آمد بسیار خوشبخت خواهید شد و اگر گرفتار
 یک همسر بد شوید فیلسوف بزرگی می شوید. (سقراط)
 وسیله ندارم، یعنی داشتم فروختم زن بگیریم. فیلسوف
 هم که بشم وقتی پارتنی ندارم، باید بیکار خیابانها را متر
 کنم!!
 قبل از رفتن به جنگ یکی دو بار و پیش از رفتن به
 خواستگاری سه بار برای خودت دعا کن. (دانشمند لهستانی)
 خدایا، خودت به جوانی ام رحم کن. آمین به توان
 سه.....!!
 مطیع مرد باشید تا او شما را پرستد. (کارول بیکر)
 صد بار بهش گفتم، گوش نمی کنه.....!!
 من تنها با مردی ازدواج می کنم که عتیقه شناس باشد
 تا هر چه پیرتر شدم، برای او عزیزتر باشم. (آگاتا کریستی)
 دوست دارن عتیقه شناس باشن، از میراث فرهنگی می
 ترسن! بعد هم آقایان دوست دارن همیشه به روز باشن!!
 هر چه متاهلان بیشتر شوند، جنایت ها کمتر خواهد
 شد. (ولتر)
 و البته آمار کارتن خوابها و حبسی کشیده ها فزونی می
 یابد!
 هیچ چیز غرور مرد را به اندازه ی شادی همسرش بالا
 نمی برد، چون همیشه آن را مربوط به خودش می داند.
 (جانسون)
 خدایی به ذره غرور برای ما باقی نمونده.....!!
 زن می تواند با مردی که زندگی خوبی نداشته
 باشد، ازدواج کند، اما نمی تواند مردی را که شنونده
 خوبی نیست، تحمل کند. (کینه یار)
 پس دو تا گوش می خواد نه شوهر!! البته زندگی
 ها همه خوبه فقط درصدش بالا و پایینه!!!
 وقتی برای عروسی ات خیلی هزینه کنی، مهمان هایت
 را یک شب خوشحال می کنی و خودت را
 عمری ناراحت! (روزنامه نگار
 ایرلندی)
 با په سفر زیارتی یا سیاحتی
 قال قضیه رو بکن.....!!
 تا قبل از ازدواج فقط مرگ می تواند دو عاشق دلداه را
 از هم جدا کند اما بعد از ازدواج تقریباً هر چیزی می تواند
 سبب جدایی آنان شود! (سامرست موام)
 البته بستگی به جیب مرد داره.....!!
 ازدواج با یک زن مثل خریدن کالایی است که مدت ها
 مشتاقانه از پشت ویترین تماشايش کرده اید، اما وقتی به
 خانه می رسید از خریدنش پشیمان می شوید. (جین کر)
 شرمنده! پس از فروش پس گرفته نمی شود.....!!
 تا ازدواج نکرده ای نمی توانی درباره ی آن اظهار
 نظر کنی. (شارل بودلر)
 بعد هم گیجش رو نداری.....!!
 زندگی ناشویی مثل تئاتر است، مردم صحنه
 زیبا و آراسته آن را می بینند، درحالی که زن و
 شوهر با پشت صحنه درهم
 ریخته و پرماجراي آن سر و
 کار دارند. (فرانسیس بیکن)

ها ی تان
 را باز کنید و
 بعد از ازدواج آنها را
 روی هم بگذارید.
 (فرانکلین)
 پس کی سر
 کار بریم؟!
 خانه بدون
 زن، گورستان است.
 (بالزاک)

و خانه با زن..... تان!!
 (جای نقطه چین را خودتان
 پر کنید - همه گزینه ها،
 بستگی به نظر شما داره!)

تنها علاج عشق، ازدواج است. (آرت بوخوالد)
 البته برای پریدن از سر آدمیزاد.....! از قدیم گفتن گرسنگی
 نکشیدی عشق از کله ات پیره!
 ازدواج عبارتست از سه هفته آشنایی، سه ماه عاشقی، سه
 سال جنگ و سی سال تحمل! (ناشناس)
 و بقیه اش: ۱- درد، ۲- خوشبختی، ۳- ریاضت، ۴- حیاقت.
 هر چهار گزینه، هیچکدام، یا گزینه.....!!
 شوهر "مغز" خانه است و زن "قلب" آن.
 (سیریوس)

خدا هیچ خونه ای رو بی
 قلب نکنه.....! والله.....
 عشق، سپیده
 دم ازدواج

است و ازدواج
 شامگاه عشق. (بالزاک)
 و فردای ازدواج: آوردگاه عشق!!

قبل از ازدواج درباره تربیت اطفال شش نظریه
 داشتم، اما حالا شش فرزند دارم و دارای هیچ نظریه
 ای نیستم. (لرد لوچستر)
 داداش، صداقت منو کشته!!
 مردانی که می کوشند زن ها را درک کنند، فقط موفق
 می شوند با آنها ازدواج کنند. (بن)





حس همدلی یعنی اینکه در روابط بین فردی این امکان را به طرف مقابل بدهیم تا به راحتی در مورد مسائل و مشکلاتش با ما صحبت کند.

خانواده



توسط | محمدرضا
خوانساری
کارشناس ارشد
روانشناسی بالینی

راهکارهای ایجاد تفاهم در خانواده

انسانها موجوداتی جمع گرا

هستند و بواسطه همین نیاز به جمع گرایی سعی می کنند با دیگران روابط طولانی مدت و پایداری را برقرار کنند زیرا روابط اجتماعی باعث احساس آرامش، افزایش عزت نفس و انگیزه و امید به آینده می شود. عالی ترین روابط بین فردی که معمولاً ما بسیاری از تجربه های زندگی و یادگیری های اساسی و پایه زندگی را در آن می آموزیم روابط خانوادگی است. یک فرد بزرگسال با کوله باری از یادگیری های متنوع که ریشه در تجارب اولیه او در دوران کودکی دارد روابط خود را با دیگران در زندگی تنظیم می کند و اینکه با چه کسانی و چگونه و به چه میزان می بایست ارتباط و تعامل داشته باشد در همین تجارب اولیه کودکی ریشه دارد و بهتر است بگویم ریشه در شخصیت او دارد که مبنای تربیت و پرورش دوران کودکی است و تقریباً تا پایان عمر روابط اجتماعی خود با دیگران را بر همین اساس پیش می برد. نقص های شخصیت و یا فقدان مهارت های اجتماعی تعاملات فرد را با مشکلات زیادی مواجه می کند.

اینکه با چه کسی ازدواج می کنید امری اتفاقی نیست معمولاً افراد با فردی از شبکه اجتماعی، طبقه، نژاد یا فرهنگ خود که بیشترین شباهت را با او و خانواده اش دارد، ازدواج می کنند.

معمولاً مهمترین مشکلات در روابط زوجین به دو بخش عمده تقسیم می شود:

(۱) فقدان مهارت های ارتباطی و سوء تفاهم ها.
(۲) بحران ها یا چالش های چرخه های زندگی در طول ازدواج.

در این قسمت به راهکارهایی برای افزایش مهارت های ارتباطی و مقابله با سوء تفاهم ها می پردازیم.

(۱) حس همدلی: یعنی اینکه در روابط بین فردی این امکان را به طرف مقابل بدهیم تا به راحتی در مورد مسائل و مشکلاتش با ما صحبت کند و از گفتگو با ما لذت برده و احساس آرامش و امنیت کند. ایجاد حس همدلی هر چند که تا حدی ذاتی است اما اگر چنین

حسی در شما وجود ندارد نگران نباشید، می توانید با تمرین و یادگیری چند نکته، این حس را در خودتان بوجود بیاورید و از ایجاد تغییر در خودتان لذت ببرید، کلید حس همدلی عدم قضاوت و گوش دادن محض به صحبت های کسی است که در حال گفتگو است. در حین شنیدن سخنان سعی نکنید که فقط بخشی از صحبت های طرف مقابل را که گوش کرده در حافظه خود به خاطر بسپارید و به آن فکر کنید تا پس از پایان صحبت های او پاسخی مناسب برای آن داشته باشید.

در بین صحنه های طرف مقابل مکالمه او را با پرسش های خود قطع نکنید و با عبارتهای مانند اوهوم، بله و تکان دادن سر و دست سعی کنید که او را به صحبت کردن تشویق کنید.

به یاد داشته باشید همدلی به معنی تایید گفته های طرف مقابل نیست و با همدردی کاملاً متفاوت است. همدلی گوش دادن بدون قضاوت و پیشداوری است. سعی کنید از عباراتی مانند چرا؟ باید، نباید و کلماتی که جنبه بازپرسی و تاکید دارند استفاده نکنید.

(۲) سرزنش نکردن: همسر خود را بخاطر اشتباهاتش سرزنش نکنید و سعی نکنید همدیگر را مقصر بدانید علاوه بر این سرزنش و مقصر دانستن خود را نیز در

زندگی متوقف کنید.

(۳) شخصیت طرف مقابل را تخریب نکنید: در بحث ها و دعوایا به شخصیت او حمله نکنید و اگر رفتاری شما را آزار می دهد فقط به رفتار او اشاره کنید که نیاز به

تغییر دارد نه حمله به کل شخصیتش.

(۴) احترام به آزادی های همسر: اجازه بدهید همسران از کارهایی که لذت می برد در اوقات فراغتشان انجام دهد، به یاد داشته باشید که احترام به علایق و سرگرمی های همدیگر منجر به پویایی، انگیزه و امید به زندگی در او می شود.

(۵) از یادآوری خاطرات بد و محکوم کردن همسران دست بردارید.

(۶) زندگی خانوادگی یک ارتباط برد - برد است: تحکم و زورگویی نتیجه ای جز شکست ندارد.

(۷) تصمیمات مهم را با مشارکت و برنامه ریزی بگیرید.

(۸) دروغ گویی اساس زندگی را ویران می کند.

(۹) در تربیت بچه ها با هم اتفاق نظر داشته باشید و قوانین و مقررات همدیگر را نقض نکنید.

(۱۰) صبور باشید: به یاد داشته باشید که همواره بعد از یک دوره سختی و آشفتگی، راحتی و آرامش است.

(۱۱) امید کلید طلایی همه مشکلات است و انگیزه ما را در برابر مقابله با سختیها ده چندان می کند.

(۱۲) در صدد تغییر طرف مقابل نباشید: بگذارید او هم آن طور که دوست دارد زندگی کند و از زندگی لذت برد، به یاد داشته باشید که تغییر با اصلاح و تعدیل متفاوت است، انسانها به سختی تغییر می کنند، اما توانایی اصلاح و تعدیل رفتارها وجود دارد.

در بخش های بعدی به تفصیل به هر یک از این موارد پرداخته خواهد شد.





حقوق خانواده



توسط | سمیه صالحی
وکیل پایه یک دادگستری

تعیین مهریه از شرایط اساسی ازدواج منقطع است، زیرا ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی اینگونه بیان کرده است: عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است در ازدواج موقت نفقه زن بر عهده شوهر نیست مگر اینکه این نفقه در زمان عقد شرط شده باشد یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد (ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی) یعنی در صورتی که توافقی بر پرداخت خرجی به زن نشده باشد مرد مسئولیتی در قبال آن ندارد و می تواند از پرداخت آن قانوناً سرباز زند. جدایی و طلاق در ازدواج موقت با انقضای مدت یا بذل (بخشیدن) مدت یا فسخ ازدواج تحقق می یابد.

در ازدواج موقت زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند
عده زوجه (زن) در ازدواج موقت دو طهر (عادت ماهانه) است اعم از اینکه جدایی به علت فسخ ازدواج و یا بذل و یا انقضای مدت باشد.

عده در اصطلاح فقه مدتی را گویند که زن پس از طلاق باید صبر کند و شوهر دیگری اختیار ننماید و آن مدت در ازدواج دائم سه طهر است که معمولاً سه ماه و سه روز است و در نکاح منقطع دو طهر است و در زن شوهر مرده چهار ماه و ده روز است. طبق ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی «عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال ۴ ماه و ۱۰ روز است. مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از ۴ ماه و ۱۰ روز بیشتر باشد. در غیر این صورت عده همان ۴ ماه و ۱۰ روز خواهد بود.

ادامه دارد ...

مسئولیت مدنی) اما اساسی ترین مبحث قابل طرح در دوران نامزدی بحث پس گرفتن هدایا می باشد، هرچند هدیه در عرف و قانون یک نوع هبه قرار گرفته است اما قواعد هبه (بخشش) بر آن اجرا نمی گردد و قانونگذار رسماً در ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی درباره استرداد هدایا بیان کرده است: هر یک از نامزدها می توانند در صورت برهم زدن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا پدر و مادر او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند اگر عین هدایا موجود نباشد می تواند قیمت هدایا را دریافت کند که عادتاً نگهداشته می شود. مگر اینکه این هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد اما در صورت فوت نامزد بر اساس ماده ۱۰۳۸ قانون مدنی لازم نیست هدایا پس داده شود و یا مطالبه گردد.

ازدواج:
ازدواج یا نکاح در حقوق ایران به دو قسم است. نکاح دائم و نکاح منقطع که آن را مُتعه یا ازدواج موقت نیز می نامند. آثار ازدواج موقت جز در موارد نفقه و ارث همان آثار نکاح دائم است.

فرزندان ناشی از ازدواج موقت از کلیه حقوق فرزندان ناشی از ازدواج دائم برخوردار می باشند. در مورد صحت و درستی نکاح منقطع موارد ذیل در قانون مدنی بیان شده است که لازم به ذکر می باشد:

بر اساس ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی ازدواج وقتی منقطع است که برای مدت زمان معین و مشخصی واقع شده باشد.

تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج نماید. بر اساس ماده ۳۳۱ قانون مدنی و ماده یک قانون مسئولیت مدنی در صورت بروز خسارت در ایام نامزدی به هر یک از طرفین در صورت برهم خوردن نامزدی می توان خسارت فوق را مطالبه نمود مثل برگرداندن انگشتر و غیره البته زبان معنوی نیز در صورتی که نامزدی بدون عذر موجه و در اثر تقصیر یکی از نامزدان باشد در صورت اثبات می توان مطالبه نمود (بر اساس مواد ۸، ۲، ۹، ۱۰ و ۱۰ قانون

هر یک از نامزدها می توانند در صورت برهم زدن وصلت منظور هدایایی را که به طرف دیگر یا پدر و مادر او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند

خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف نشده است، اما به مجموعه اصول و قواعدی که بر روابط افراد خانواده حاکم می باشد مثل ازدواج (نکاح)، طلاق، حضانت، نفقه و غیره حقوق خانواده گفته می شود. لذا برای شروع مبحث حقوق خانواده در مجموعه قوانین ایران ابتدا باید در مورد قوانین حاکم بر خواستگاری و نامزدی و سپس ازدواج و انواع آن صحبت نمود.

خواستگاری:
پیشنهاد ازدواج از طرف مرد نسبت به زنی معین که مانعی برای ازدواج نداشته باشد را خواستگاری می نامند و بر اساس ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی خواستگاری چنین تعریف شده است: هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می توان خواستگاری نمود. موانع نکاح عبارتند از: شوهر داشتن زن، داشتن نسبت نسبی یا سببی زن با مرد و نیز در عده رجعیه بودن زن می باشد.

نامزدی:
پس از برگزاری مراسم خواستگاری و در صورت پاسخ مثبت ضمنی و اولیه زن به مرد به ایامی که بین زمان خواستگاری تا زمان عقد می باشد را نامزدی می گویند که در قانون مدنی بدین شرح بیان شده است: نامزدی یا وعده ازدواج قرار است که بین دو نفر به منظور ازدواج در آینده بسته می شود.

اما باید به این موضوع توجه کرد تا زمانی که صیغه عقد جاری نشده است هر یک از طرفین که از ازدواج با طرف دیگر منصرف شود، طرف دیگر نمی



دکوراسیون داخلی



توسط | مژده علوی - کارشناس معماری

نظر داشته باشید که عبارت ، دکوراسیون داخلی ، طراحی داخلی و معماری داخلی هر سه واژه هایی است که برای بهبود کیفیت زندگی از طریق بهبود فضا مورد استفاده قرار می گیرند و نقاط مشترکی هم دارند ، اما اغلب به جای همدیگر استفاده می شوند. دکوراسیون داخلی ، صرفاً سطح ظاهری فضای خانه را در بر می گیرد و به جنس ، رنگ ، بافت ، وسایل خانه و الگوی دیوارها و کفپوشها مرتبط است. در این مبحث ما به دکوراسیون داخلی می پردازیم ، چیزی که فضای خانه را آراسته می کند ؛ برای داشتن یک فضای مطلوب ، دانستن چند نکته ضروری است.

داشته اید و یا برعکس از همان ابتدا یا بعد از گذشت مدتی ، حس خوبی نداشته و منتظر فرصتی برای رفتن از آن محیط بوده اید. تناسب و زیبایی فضای یک خانه ، صرفاً ربطی به قیمت وسایل یا بزرگی و کوچکی خانه ندارد . این حس خوب از یک ذهن خلاق در چیدمان منزل نشأت میگیرد ؛ فضای خانه ممکن است توسط افراد خانواده و یا یک شخص دیگر به عنوان دکوراتور ، یعنی کسی که دکوراسیون داخلی انجام می دهد و در این زمینه اطلاعات ، تجربه و تحصیل دارد انجام شود . برای سپردن خانه به یک دکوراتور ، این مطلب را در

بعد از یک روز تلاش و خستگی همه با هر شرایط شغلی و موقعیت اجتماعی نیاز به فضایی برپا پشت سر گذاشتن استرس و خستگی و رسیدن به آرامش روحی و جسمی داریم و چه جایی بهتر از خانه ، مکان امن و راحتی که شاید دیگر مصداق « چهار دیواری ، اختیاری » آن با توجه به آپارتمانی بودن ، غالب فضاهای مسکونی نباشد. اما هنوز برای چیدمان این چهار دیواری این مثل کاربرد دارد. شاید برای شما هم پیش آمده ، وقتی برای اولین بار وارد خانه ای شدید ، در آن حس خوب و آرامش

● رنگ :

اهمیت رنگ در خانه اصل بسیار مهمی است زیرا رنگ اصلی است که شما برای دکور خانه باید نسبت به آن آگاهی داشته باشید.

غیر از سلیقه شخصی شما که می تواند بیشترین تاثیر را در انتخاب رنگ داشته باشد، باید در نظر داشت که این انتخاب ، حتی بر میزان نور خانه هم تاثیر گذار خواهد بود .

رنگ	تاثیر بر فضا	تاثیر بر محیط
رنگ های روشن و رنگ های خنثی	بزرگتر نشان دادن فضا	آرامش و سکون
رنگ های نیمه روشن	تاثیری بر فزاینده فضا ندارد	سنت گرایی
رنگ های تند و تیره	کوچک نشان دادن فضا	سستی ، گرم و خودمانی

در فضاهای بزرگ ، دست شما برای انتخاب رنگ بازتر است ، اما در فضاهای کوچک استفاده از رنگ خنثی و روشن برای دیوارها و وسایل بزرگ مثل مبلمان ، فضا را گسترده تر نشان می دهد اما فراموش نکنید ، این فضای خنثی را با وسایل کوچکتر رنگی مثل تابلو ، شمع ، گلدان و کوسن های رنگی به فضای شخصی و مطابق سلیقه خود تبدیل کنید .

شجاع باشید و از رنگ در فضای خصوصی تر مثل اتاق خواب با خیال راحت استفاده کنید .

پیشنهاد:

برای ایجاد تنوع می توانید با شروع هر فصل از رنگهای متناسب با فصل برای وسایل کوچک دکوراتیو استفاده کنید . مثلاً با تغییر رویه کوسنها در فصل پاییز به رنگهای زرد ، قرمز و نارنجی و اضافه کردن شمعیایی با همین ترکیب رنگی روی میزها فضایی گرم ، زیبا و پاییزی را به خود و خانواده تان هدیه دهید .

● تناسب :

خرید وسایل متناسب با فضای خانه ، غیر از نشان دادن درایت و سلیقه شما در خرید ، به علت اشغال نشدن بیش از حد فضا ، محدوده ای برای عبور راحتتر و حتی نظافت بهتر را به وجود می آورد. اگر در خانه ای کوچک ساکن هستید و وسایل زیادی دارید ، حتماً از مبلمانی استفاده کنید که فضاهای خالی برای قراردادن وسایل درون خود دارند . هرچند متأسفانه تنوع زیادی در مبلمان کم جا در حال حاضر وجود ندارد اما با صرف وقت بیشتر حتماً می توانید موارد مناسبی پیدا کنید. در خانه های بزرگتر نیاز نیست تمام فضاهای خانه را پر از مبلمان کنید بلکه نیازهای خود را بشناسید و با توجه به فضایی که در اختیار دارید مبلمان متناسب بخرید.

● تفکیک فضا :

این تفکیک در خانه های بزرگ معمولاً توسط معمار داخلی ، با تغییر ارتفاع سقف یا پله و ... صورت می گیرد اما در خانه های کوچک معمولاً فضاهای نشیمن ، پذیرایی و نهارخوری یکی هستند . شما می توانید با تغییر رنگ و یا بافت یک دیوار ، این تفکیک را به وجود آورید . مثلاً با تغییر رنگ دیوار در قسمتی که میز غذاخوری قرار می گیرد این کار با نورپردازی هم قابل اجراست .

مهم سلیقه و نیاز شما است . مثلاً اگر شما از میز غذاخوری برای مطالعه هم استفاده می کنید یک نورپردازی مناسب علاوه بر تفکیک فضا باعث راحتی شما در زمان مطالعه خواهد شد با این کار شما فضای خصوصی خود را در زمان مطالعه خواهید داشت.

استفاده از گیاهان در خانه را فراموش نکنید .

در شماره بعدی به تفصیل در مورد رنگها اصلی ، فرعی ، هارمونی ، کنتراست و چگونگی قرار گرفتن آنها کنار یکدیگر به صورت موضوعی خواهیم پرداخت .



طرز تهیه آش ماست

توسط | ناهید درجانی

آش ماست یا آش ماستوب یکی از آش های سنتی شهر اراک می باشد که از دیرباز در مناطق مختلف این استان طبخ می شود. در این شماره با طرز تهیه این آش محلی که مورد علاقه بسیاری از ساکنان استان مرکزی می باشد، آشنا خواهید شد. امید است مورد استقبال بانوان و خوانندگان گرامی مجله لبخند سبز قرار گیرد.



طرز تهیه:

مواد لازم برای ۴ نفر:

برنج یک لیوان یا ۲۰۰ گرم
روغن به مقدار لازم
گوشت ۱۰۰ گرم
کشک ۳۵۰ گرم
نخود ۵۰ گرم
پیاز داغ به مقدار لازم
فلفل و نمک به مقدار لازم
زرد چوبه یک قاشق چایخوری
زعفران یک قاشق چایخوری

ابتدا بایستی نخود و گوشت کاملاً پخته شود.

برنج را هم جداگانه می پزیم تا یکدست و نرم شود. سپس کشک را که با هم زدن و کمی آب به صورت دوغ درآمده به داخل برنج می ریزیم تا با هم پخته شود و بعد از چند دقیقه زعفران و زردچوبه و پیاز داغ را هم به برنج اضافه می کنیم. مقداری از پیاز داغ را برای تزیین روی آش نگه می داریم.

گوشت ها را پس از پختن رشته رشته کرده و به همراه نخود پخته شده به برنج که در حال پختن است اضافه می کنیم تا درست جا بیفتد.

زمانی که آش پخته شد، مقداری فلفل و نمک به آن اضافه می کنیم. از پیازداغ باقی مانده و کمی روغن که با زردچوبه مخلوط شده است برای تزیین روی آش استفاده شود.



آشنایی با کاریکلماتور....

است که کاریکلماتور بیشتر برایت شیرین و دلنشین می شود. در کاریکلماتور باید دنیا را متفاوت دید و دنیایی متفاوت آفرید. کاریکلماتوریست به دور اتفاقات روزمره خط می کشد و باید با قواعد کادر کشیدن آشنا باشد. کاریکلماتور همانند اشانتیونی از یک عطر خوب است. به طور کلی آرایه های ادبی به کار رفته در کاریکلماتور بیشتر ساخت معنایی دارند تا ساخت آوایی؛ آرایه هایی چون: انگاره، انگاره ناهمگون، تشبیه، استعاره، کنایه، انسان گونگی، حس آمیزی، جمع، تفریق، تجاهل العارف، تمثیل، تمثیل عکس، تجسم، حرف نمایی، تناسب یا مراعات نظیر، ایهام، تضاد، تلمیح، محتمل الضدین، احاله به محال، ساختزدایی، حسن تعلیل، دلیل عکس، پارادوکس، حسن طلب و... در نوشتن کاریکلماتور معمولاً ترکیبی از این آرایه ها به وقوع می پیوندد. در ذیل نمونه هایی از این کاریکلماتورها از نظرتان می گذرد:

کاریکلماتور، زبان عامیانه و گویایی است که شوخی می کند، می خنداند و به طعنه سخن می گوید. به ناهنجاری ها و بدی ها اشاره می کند و گاهی ناملایمات و سختی های زندگی را با طنز تلخ بیان می کند. دردهای اجتماعی را خوب می شناسد و هر اتفاق کوچکی را شاید کمی اغراق آمیز با نیشخندی کنایه دار مورد توجه قرار می دهد و می توان گفت یکی از جلوه های زیبای ادب و هنر معاصر است. کاریکلماتور، مخاطب های آگاه و اندیشمند دارد که آنها را با تبسم، به تفکر وادار می کند. بسیاری از جملات طنز در نگاه اول یک شوخی ساده و خنده دار به نظر می آید، ولی اثرات واقعی آن پس از کمی تفکر و شاید تعجب برای مخاطب آشکار می شود. نمونه های کاریکلماتور را می توان در عرصه های مختلف بخصوص اجتماعی دید یا شنید و بطور کلی وقتی عاشق طنز باشی و بزرگترین آرزویت فقرزدایی از شادی باشد آن وقت

کاریکلماتورهای نیشدار

علیرضا جمشیدی

میمون که میمون بود آدم شد، چرا بعضی ها آدم می شوند!
عشق شاید نوعی آچار باشد، خیلی ها را می پیچاند!

مواظب پنجره دلت باش، وقتی بی پرده حرف می زنی همه چیزها پیدا است!
داماد با دستان پوچ، از دست عروس گل می گیرد!
حرفهایش از بسته دلش می ماند، کپک میزند!
ای کاش برای فلج افکارهم واکنس می ساختند.
بعضی از اشتباهات لپی با گرفتن لاک جبران می شوند.

مرگ، آخرین ساز خداست، همه باید برقصند!

سلاطین، موسیقی مقامی گوش می کنند!
کم مانده افکار عمومی را خصوصی سازی کنند!
با والدین تحصیل کرده، بچه ها تحت لیسانس بزرگ می شوند!

کاریکلماتورهای پزشکی

به آدم های بسیار شیرین می گویند دیابتی!
به افرادی که فقرس دارند، می گویند مایه دار!
انسان های ریزبین عینک می زنند!
آنهايي که می خواهند مهربانی را منتشر کنند، عمل قلب باز می کنند!

افرادی که زیاد دنبال کار مردم می دوند، معمولاً پا درد دارند!
کسانی رگ هایشان را بالن می زنند که زیاد حرص مردم را می خورند!
آدم هایی که مشکلی را از زمین برمی دارند، دیسک کمر می گیرند!
آنهايي که زیاد فکر می کنند، یا موهای سرشان می ریزد یا سکنه مغزی می کنند!
هرکس که سکنه قلبی کرد، حتما شکست عشقی خورده است!
انسان هایی که در گفتارشان صداقت دارند، می گویند شیرین عقلند!



در میان آثار شاعران و نویسندگان به قطعیتی بر می خوریم که رنگ طنز دارد.
رباعیات خیام حاوی طنزهای تلخ و گزنده است که دیدگاه فلسفی و نگرش او را
نسبت به کل جهان آفرینش نشان می دهد.

Persian Literature

فحش، سخن بیهوده و پوچ است. در اصطلاح عبارت است از تمسخر گرفتن عیبها و نقصها به منظور تحقیر و تنبیه از روی غرض شخصی، گاهی به سرحد دشنام گویی نیز می انجامد هجو ضد مدح است.

۲. هزل: به معنی سخن بیهوده، مسخرگی و لودگی، شوخی و ظرافت کردن با دیگران است و در اصطلاح شوخی رکیک به منظور تفریح و نشاط در سطحی محدود و خصوصی. هزل ضد جد است گاهی هزل، نوشتن و گفتن سخنانی است که معمولاً شرم آور است.

۳. فکاهه: اگر هزل به دور از زشت گویی بیان شود و تنها هدفش خندانیدن مخاطب باشد، به فکاهه بدل می شود فکاهه صورت تکامل یافته و عمیق هزل است که از جنبه ی شخصی در آمده و مخاطب عام یافته است و به همین دلیل است که در همه جا قابل استفاده است. برخی فکاهه را معادل «مزاح» به کار برده اند.

۴. لطیفه: به معنای گفتاری نغز، مطلبی باریک و نیکو، شوخی، بزدل، در اصطلاح ادبی، لطیفه، روایت طبیعت آمیز داستان وار کوتاهی است که بر پیوند حلقه های واقعی و تصادفی استوار است و پایان بندی آن، توأم با اوج کمال و غافلگیری است. لطیفه رایج ترین و عامیانه ترین اشکال شوخ طبعی است که به رغم سادگی و کوتاهی و همه گیر بودن، پر از رمز و راز و جلوه گاه اندیشه و فرهنگ ملتهاست و سازندگان آن، اغلب از میان مردم گمنام بر خاسته اند.

در ادبیات فارسی توجه شاعران فارسی زبان به هزل و هجو، بیشتر معطوف بوده است تا به طنز عمیق و انتقاد از اجتماع و سیاست. با این وجود گاه در میان آثار شاعران و نویسندگان به قطعیتی بر می خوریم که رنگ طنز دارد. رباعیات خیام حاوی طنزهای تلخ و گزنده است که دیدگاه فلسفی و نگرش او را نسبت به کل جهان آفرینش نشان می دهد. سعدی در بوستان و گلستان طنزش را به زندگی روزمره اختصاص داده است.

عطار نیز در الهی نامه جنبه هایی از طنز ارائه می دهد. طنز در آثار جامی، نظامی، سنایی، حافظ و مولانا نیز به اشکال مختلف دیده می شود. در صدر این افراد، عبید زاکانی، پدر هنر طنز در ادبیات فارسی قرار دارد. او در سیاه ترین روزگار ایران، بدون ترس از قدرت های حاکم و قاضی و عسس، اوضاع نابسامان را با قلم موشکاف خود ترسیم کرده است.

روسی معتقد است که هنر به جای همه ی کسانی حرف می زند که خود قادر به سخن گفتن نیستند.

هنر وقتی قالب شوخ طبعی به خود می گیرد، در عرصه ای به پهنای دنیای انسانها ناگفته ها را باز می گوید و گونه های متفاوتی را به تناسب شرایط موجود و نوع نگاه هنر مند به خود می گیرد. در طول زمان بسیاری تلاش نموده اند که از کمدی و شوخ طبعی و شاخه های آن تعریف مشخصی ارائه دهند، اما این تعاریف و مرزبندیها نزد همگان یکسان نیست. چیزی که می توان گفت این است که در گذشته تمام این تقسیم بندیها و تعریف ها را در مقوله ای به نام «هزل» گنجانیده بودند. گذشتگان ما با آنکه معنی طنز و فکاهه را می دانسته اند، اما مضاحک را در دو شکل، هجو و هزل تعریف کرده اند. در تعریف آنان هجو در مقابل مدح و هزل در برابر جد، قرار گرفته است.

طنز ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد، گرچه طبیعتش بر خنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله ای می انگارد

پنج اصطلاح هجو، هزل، فکاهه، لطیفه و طنز را به عبارت امروز این گونه می توان تعریف نمود:

۱. هجو: در لغت به معنای نکوهیدن، تمسخر گرفتن عیبها، کسی را به شعر دشنام دادن،

طنز در لغت به معنای مسخره کردن، طعنه زدن، سرزنش کردن، بر کسی خندیدن، سخن به رموز گفتن، به استهزا از کسی سخن گفتن و ناز کردن آمده است.

در اصطلاح عبارت است از به تمسخر گرفتن عیبها و نقص ها به منظور تحقیر و تنبیه از روی غرض اجتماعی و آن صورت تکامل یافته ی هجو است.

فرق آن با هجو این است که تند ی و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست و در طنز مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است. طنز کاستن از کسی یا چیزی است که به نحوی با عث خنده و سرگرمی و تحقیر شود. بین طنز و کمدی نیز تفاوت وجود دارد. در کمدی خنده به خاطر خنده است اما در طنز خنده، برای مسخره کردن است، یعنی وسیله است نه هدف. کسی که در طنز مورد انتقاد قرار می گیرد ممکن است یک فرد خاص، یک تیپ، یک طبقه و حتی یک نژاد باشد. در ادبیات، طنز به نوع خاصی از آثار منظوم و یا منثور گفته می شود که اشتباهات یا جنبه های نامطلوب رفتار بشری، فساد های اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه ای خنده دار به چالش می کشد. «درآیدن» می گوید: هدف راستین طنز، اصلاح پلیدیهاست.

طنز ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد، گرچه طبیعتش بر خنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله ای می انگارد. در پس این خنده، واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می خشکاند، و انسان را به تفکر و می دارد به همین دلیل درباره ی طنز گفته اند: طنز یعنی گریه کردن قه قه، طنز یعنی خنده کردن آه آه.

از هنگامی که انسان پا بر عرصه ی وجود نهاد و ردایل و بدیها را شناخت و آزار و گزند، آرامش و قرار را از او گرفت، کمدی را ساخت تا سپری در مقابل زشتی ها، ناراستیها و کژیها باشد. «ابن سینا» می گوید: مقصود از تراژدی بیان خوبی ها و خلصت های مثبت انسانی است در حالیکه کمدی، ذکر شرارت و بدیها را در نظر دارد. تارکوفسکی کارگردان و فیلم ساز

جایگاه طنز در ادبیات فارسی

طنز یعنی گریه کردن قه قه ...!





بچه های کلاس اولی کنار پدر یا مادرشان ایستاده بودند ، بچه های بزرگتر دوستها و همکلاسی های پارسال را پیدا می کردند خوشحال بودند

داستان کودک

سخنی با بزرگترها

خاطرات مامان مجموعه داستان هایی است که برای آشنا شدن بچه ها با احساس بزرگترها طراحی و نوشته می شود ، معمولاً شما هم خاطرات مشابهی دارید آنها را برای بچه ها تعریف کنید و همان خاطره را از دیدگاه آنها جویا شوید . شما می توانید خاطرات خود و کودکان را به آدرس مجله و یا پست الکترونیکی ارسال کنید تا بصورت داستان با نام خودتان و در این صفحه با دیگران به اشتراک بگذارید.



خاطرات مامان

روز اول مدرسه

توسط | مژده علوی

اول مهر اولین روزی که دخترم ترنج به مدرسه میرود ، صبح زود بیدار شدم و صبحانه را آماده کردم ، چند باری ترنج را صدا زدم اما خواب خواب بود . کنارش رفتم و موهایش را از روی صورتش کنار زدم چرخید و پشت به من خوابید . گفتم : ترنج ، ترنج مامان ، پاشو ... امروز روز اول مدرسه است . ترنج بلند شد و نشست ، در حالی که چشمانش را می مالید گفت : آخه من خوابم میاد هنوز و دوباره خوابید . گفتم : ترنجی ، پاشو مامان صبحانه هم حاضره بابایی رفته نان تازه خریده برایت . ترنج کش و قوسی به بدنش داد و گفت : بگو بابا بیاد . گفتم : بابا رفت سرکار . ترنج با نق گفت : ای خدا ! کی تمام می شود ! با تعجب پرسیدم : چی ؟! گفت : مدرسه

در حال صحبت بودیم که یکدفعه چشمم به حلقه بچه های کلاس اولی افتاد که داشتند با هم بازی می کردند ، چقدر زود با هم دوست شده بودند . زنگ زده شد . بچه ها بعد از ایستادن در صف و خواندن قرآن و سرود ایران و بعد از صحبت های خانم مدیر به سمت کلاسهایشان راه افتادند . به ترنج قول داده بودم که در مدرسه بمانم تا کلاسهای تمام بشود نیم ساعتی که گذشت دیدم ترنج خندان به سمت من آمد و گفت : مامان شما برو خانه ، ظهر بیا دنبالم . بغلش کردم و پرسیدم : مطمئنی ؟ گفت : بله اینجا با همه دوست شدم و معلممان هم خیلی مهربان است بوسیدمش و گفتم : باشد من ظهر می آیم دنبالت . دستهایش را در هوا تکان داد و خداحافظی کرد و به سمت کلاسش راه افتاد و من برایش از خدا روزهای خوب و خوبی را خواستم .

همانطور با تعجب نگاهش کردم ، دستی به سرش کشیدم و با خنده گفتم : مامانی تازه امروز اولین روزه ، دوازده سال مانده . دستش را گرفتم و بلندش کردم چند لحظه در آغوشم نشستم اما بالاخره بلند شد . یک لقمه نان کوچک و یک لیوان شیر را بعد از نیم ساعت غرغر کردن خورد و من هم همه تلاشم را کردم تا در اولین روز مدرسه عصبانی نشوم . صبر کردم تا لباس مدرسه اش را بپوشد و آماده رفتن شدیم . هوا کمی خنکتر از روزهای قبل بود بچه ها با کیفهای رنگی و لباسهای یک شکل به سمت مدرسه در حال حرکت بودند ، ما هم راهی مدرسه شدیم . بچه های کلاس اولی کنار پدر یا مادرشان ایستاده بودند ، بچه های بزرگتر دوستها و همکلاسی های پارسال را پیدا می کردند خوشحال بودند . یکی از خانم ها از من پرسید : من شما را در جشن شکوفه ها دیدم دختر شما هم کلاس اول ؟ گفتم : بله



چگونه یکدیگر را دوست بداریم؟!



حقیقت آدمها

شما در آیین دوست یابی یا اینکه پایه های دوستی خودتان را با سایرین قوی تر نمایید کدامیک از این گزینه ها و موارد را در زندگی روز مره مورد توجه قرار می دهید و با استفاده از کدام مورد دوست مورد علاقه خود را انتخاب می نمایید؟!

حقیقت آدمها آن چیزی نیست که بر شما آشکار می کنند. بلکه آن است که از آشکار کردنش بر شما عاجزند. بنابراین اگر می خواهید آنها را بشناسید. به آنچه می گویند گوش ندهید. بلکه به آنچه ناگفته می گذارند گوش بسپارید.

امروز، اولین روز بقیه عمر شماست، قدر آن را بدانید.

(رابرت گرسیولد)



لبخند بی هزینه شما گرانبهارترین هدیه است!

نگویید که اشتباه می کند. با ملایمت سخن آغاز کنید. کاری کنید که طرف بی وقفه به شما پاسخ بدهد. اجازه بدهید آنها زیاده تر حرف بزنند. صمیمانه بکوشید خود را به جای دیگران قرار دهید و از دیدگاه آنها به مسایل بنگرید. با افکار و عقاید دیگران ابراز همدردی کنید. به شریفترین انگیزه های آنها متوسل شوید. عقاید و مطالب مورد نظر خود را به گونه ای زیبا و دلنشین برای آنها به تصویر بکشید و در صورت امکان به صورت نمایش جلب توجه کننده به دیگران عرضه کنید. بگذارید طرف حیثیت و آبرویش را حفظ کند. جریحه دار کردن احساسات دیگران کار انسانهای بزرگ نیست. از پیشرفتهای کوچک دیگران از ته دل تعریف کنید و در ستایش استعدادهای آنها صمیمیت نشان بده!

به نکات بسیار جالبی در این زمینه اشاره نموده است که از نظرتان می گذرد: لبخند بی هزینه شما گرانبهارترین هدیه است. به خاطر داشته باشید نام یک شخص برای او شیرین ترین و مهم ترین صدا در کلیه زبانهاست. شنونده خوبی باشید و دیگران را تشویق کنید تا از خودشان صحبت کنند. کاری کنید که طرف مقابل خود را مهم احساس کند و این کار را هم صمیمانه انجام دهید! بهترین راه پیروزی در مباحثات خودداری از وارد شدن در بحث است. برای عقاید دیگران احترام قایل شوید و تا حد ممکن سعی کنید از اشتباه آنها بگذرید و هرگز به کسی

براستی شما در زندگی روز مره خود چند دوست دارید، که به قول خودتان بگویید رفیق فایر یک من است. چند دوست دارید که می توانید اسرار زندگی خود را با وی در میان بگذارید، یا اینکه در روزهای سخت و تنگناهای آنچنانی زندگی روی او حساب کنید. اصلا ملاک شما برای دوست یابی چیست؟! با فلانی به خاطر چه گزینه ای دوست شده اید، آیا تاکنون دوست داشته به کسی دوست شوید و او روی خوش نشان ندهد و یا برعکس. شاید برای شروع دوستی، راه درست و صحیحی را انتخاب نکرده اید. دیل کارنگی در کتاب آیین دوست یابی



مردهایی که به دنبال همسر می‌روند معمولاً در زندگیشان کمبودهای عاطفی یا جنسی دارند. لذا در عقد موقت، زن نباید از شوهرش بچه بخواهد

سکانس گفت‌وگو

گفتگو با «رویا محقق» نویسنده فیلم دوران عاشقی

بحران عاشقی یا دوران عاشقی؟

تاکنون
استفاده
خوب از
صیغه
ندیده‌ام!



خلاصه فیلم

فیلم درباره زندگی یک زن وکیل به نام بیتا است که در کار خود تبحر دارد و بیشتر پرونده‌های مربوط به طلاق را قبول می‌کند. همسر او حمید در یک شرکت بزرگ کار می‌کند و به واسطه شغلش با میترا که به تازگی از خارج آمده آشنا می‌شود و با او عقد می‌کند. میترا از حمید باردار شده، اما حمید این مساله را نمی‌پذیرد و معتقد است که مدتهاست که عمل وازکتومی انجام داده و همه چیز را انکار می‌کند. دایی میترا که از اعتبار و قدرت زیادی برخوردار است از جریان مطلع شده و حمید را تهدید می‌کند که باید همسرش را طلاق و با میترا به زندگی ادامه بدهد و برای تحت فشار قرار دادن حمید میترا را به بیتا معرفی می‌کند تا وکالت او را بر عهده بگیرد. میترا از این جریان مطلع می‌شود و پرونده را نمی‌پذیرد و حالا حمید منتظر تصمیم بیتا برای ادامه زندگی است.

لطفاً به صراحت بگویید که آیا موضوع را از فیلم جذابیت مرگبار اقتباس کرده‌اید؟

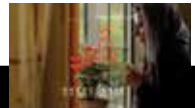
«همه آدم‌ها در شرایط بحران رفتارهای متفاوتی را از خود نشان می‌دهند، اما مهم این است که چقدر این بحران توسط فرد مدیریت شود که متأسفانه اغلب با بی‌درایتی صورت می‌گیرد. با این اوصاف «دوران عاشقی» تشریح انسان معاصر در موقعیت بحرانی است.»

در جشنواره ۳۳ فیلم فجر، رؤیا محقق برای فیلم «دوران عاشقی» برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه شد. فیلمی که به کارگردانی «علیرضا رئیسیان» ساخته شد. دوران عاشقی، نخستین فیلمنامه سینمایی محقق است؛ هرچند که وی فیلمنامه ۱۰ تله‌فیلم را نیز نوشته است. این گفت‌وگو به دلیل تحصیلات وی در رشته روانشناسی و سابقه کار محقق در مرکز مشاوره خانواده، به سمت مباحث ازدواج و طلاق کشیده شد. مباحثی که می‌تواند مورد توجه عموم مخاطبان و سینماگران اجتماعی باشد.

به هیچ وجه! چون اصلاً آن فیلم را ندیده‌ام. من چهارده سال است که به سینما نرفته‌ام و به وظیفه مادری پرداخته‌ام و سه تا بچه تربیت کرده‌ام. پس، طبیعی است که خیلی از فیلم‌های ایرانی و خارجی را ندیده باشم. صادقانه می‌گویم که این فیلم را ندیده‌ام.

طرح قصه از کجا آمده است؟

از یک خاطره عینی در دادگاه خانواده. من در حال پژوهش یک مستند متفاوت، درباره ازدواج و طلاق بودم (که شرایط ساختن هنوز فراهم نشده). روزی یک خانم وکیل را دیدم که داشت به موکلش دل‌داری می‌داد که همه چیز به نفع ماست و غصه نخور و غیره. یک لحظه فکر کردم اگر جای این دو نفر عوض شود آیا باز هم این خانم وکیل می‌تواند این‌طور با آرامش درباره موضوع صحبت کند؟ بسیاری از خانم‌ها در قبال ازدواج دوم شوهرانشان، بی‌طاقت می‌شوند. اما من فکر کردم که اگر این زن را طوری در نظر بگیریم که سکوت کند تا پرده احترام میان او و خانواده‌اش پاره نشود، ماجرا بهتر



زندگی تحت هر شرایطی نیست چون گاهی طلاق هم می‌تواند همچون ازدواج، مقدس باشد به شرطی که از آسیب‌های جبران‌ناپذیر آینده جلوگیری کند. اما عملاً این اتفاق بسیار کم می‌افتد. پس طلاق برای اکثر آدها در جامعه ما آینده بهتری نیست. لذا خطای یکی از زوجین، نباید باعث شود فرد دیگر مقابله به مثل کند و خطاهای دیگری مرتکب شود.

■ از آن طرف نیز حداقل شش مرد می‌بینیم که همگی شخصیت‌های منفی و حتی منجرکننده دارند. برخی از آنها از مراجعان خانم وکیل هستند. تنها مرد خوب قصه، پرویز پورحسینی، پدر بیتا است!

طبیعی است کسانی که به این خانم برای وکالت مراجعه می‌کنند مردها یا زن‌هایی هستند که مشکل‌دار هستند.

■ نه لزوماً. مگر هر کسی که پایش به دادگاه باز شد، گناهکار است؟!

طبیعی است کسانی که به این خانم برای وکالت مراجعه می‌کنند مردهای مشکل‌داری باشند. هیچ‌کس پیش وکیل نمی‌رود که بگوید زندگی خوش و خرمی دارد.

■ گاهی یک مرد به خاطر نافرمانی همسرش پایش به دادگاه باز می‌شود. به هر حال، شما بایست موارد بهتری می‌گذاشتید.

به وقت نگارش، ما ۱۰ تا ۱۲ پرونده وکالت برای آقای رئیس‌ایان مطرح کردیم تا ایشان حق انتخاب داشته باشند. از دید من فقط دو قصه‌های فرعی کاملاً در خدمت روایت بود. در مورد اول، لیلا حامی مراجعه‌کننده‌ای را که همسر دوم مردی شده، قربانی می‌داند و می‌گوید من حق تو را می‌گیرم. اما بعد از اینکه همین ماجرا برای خودش اتفاق می‌افتد در مورد مشابه دوم، او برافروخته می‌شود و زن را محکوم می‌کند به اینکه چرا وارد زندگی دیگران شده است. این دو مورد، در فیلم هست. یعنی بعد از مشکل خودش، موضع او تغییر کرده و همسر دوم را نیز مقصر می‌داند. به نظر بر خلاف فیلم‌های مشابه، این فیلم تلنگری به دختران و زنان می‌زند که حريم خانواده را حفظ کنند. به‌طورکلی دغدغه من در این فیلم، یک قصه زنانه نبوده است. من طرفدار حقوق انسان هستم.

■ البته حقوق زن و مرد در مواقعی با هم مشترک است، مانند حقوق شهروندی، اجتماعی یا فردی. اما وقتی وارد جزئیات می‌شویم واقعاً حقوق زن و مرد با هم متفاوت است.

متفاوت است اما جدای از هم نیست. در هر قراردادی، دو طرف خواسته‌ها و مطالباتی دارند. زنانی که صیغه می‌شوند مسئله‌شان عموماً دوست‌داشتن مرد دیگری نیست. آنها به دنبال پناهگاه و حامی هستند تا از گزند خطرات اجتماعی مصون بمانند. پس همسر موقت نباید توقع داشته باشد اگر آن مرد، متأهل است زندگی اولش را به خاطر او به هم بزند. از طرف دیگر، مردهایی که به دنبال همسر صیغه‌ای می‌روند معمولاً در زندگیشان کمبودهای عاطفی یا جنسی دارند. لذا در عقد موقت، زن نباید از شوهرش بچه بخواهد. این مردها قاعده‌تاً بچه نمی‌خواهند. لذا منطقی نیست که زن با آوردن بچه، بخواهد شوهرش را پایبند کند. به هر حال، من سعی داشتم در این فیلمنامه به معضلات صیغه بپردازم.

■ می‌دانم چرا سالانه بسیاری از فیلمنامه‌نویسان و فیلمسازان خودشان را موظف می‌بینند تا در مورد معضلات عقد موقت نظر بدهند! جالب است که همه آنها جاده اصلی را رها کرده و به دنبال جاده فرعی و

فجر گرفتید. آیا دوران عاشقی، اولین کارتان است؟ اولین فیلمنامه سینمایی‌ام بود. ولی من فیلمنامه ۱۰ تله‌فیلم را نوشته‌ام و در فیلمنامه دو مجموعه تلویزیونی نیز مشارکت داشته‌ام.

■ شخصیت‌های فیلمنامه دوران عاشقی، خیلی سیاه و سفید هستند. در دنیای امروز، دیگر چنین زنانی وجود ندارند. هرچند که هنوز زنان سنتی و مقید، پای مصائب خانواده ایستاده‌اند. ولی از زنان تحصیل‌کرده مدرن که موقعیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند بعید است که بر جور شوهرانشان صبر کنند. مخصوصاً که راه‌های قانونی را بلد باشند و بتوانند به‌راحتی اقامه دعوی کنند.

حُسن این قصه همین است. در واقع دارد به جامعه پر طلاق ما هشدار می‌دهد. مسئولان می‌گویند که آمار سالانه ثبت طلاق، به ثلث موارد ثبت ازدواج رسیده است. می‌خواستم بگویم که داشتن موقعیت اجتماعی و عدم اتکای زنان به شوهر، نباید این فکر را در آنها تقویت کند که می‌توانند خیلی راحت بر زندگی مشترکشان نقطه پایان بگذارند. منظورم تحمل

نام فیلمنامه



■ فیلم دوران عاشقی، نامگذاری به خلاف شده است. مانند کسی که دیوانه است و نامش را «رشید» بگذارند. واضح است که فیلم دارد به‌نوعی ازدواج موقت را تمسخر می‌کند.

این نام را آقای رئیس‌ایان بر اساس یک تفأل به حافظ انتخاب کرده‌اند. من در مورد خوب یا بد بودن این نام، نظری نمی‌دهم. ولی می‌توانم بگویم که این فیلم در مورد عاشقی نیست.

■ نام فیلمنامه شما چه بود؟

- البته من چند نام به آقای رئیس‌ایان پیشنهاد کردم که می‌توانم آنها را ذکر کنم. ولی قاعده‌تاً نام فیلم، باید در خدمت آن باشد و موضوع را تا حدی معرفی کند. زنی که نازا است و شوهر می‌رود ازدواج دوم می‌کند، یا زنی که در آسایشگاه روانی است و شوهر مجبور می‌شود زنی را صیغه کند، اینها معقول است. پس اگر مردی در اینجا خودش را درگیر صیغه می‌کند باید برای او احترام قائل شد. ما اگر - در فیلم - می‌گوییم کار مردها درست نبوده، مفهومش این نیست که زن‌ها هم بروند مشابه آن خطا را مرتکب شوند.

خواهد شد. لذا قصه را بر این مینا نوشتم. ■ شخصیت بیتا، دور از واقعیت است. یکی از ایرادهایی که برای فیلم یادداشت کرده‌ام همین است که این خانم وکیل که راه‌های قانونی شکایت را می‌شناسد و برای موکلانش به راحتی دادخواست می‌نویسد چگونه می‌شود که نه تنها به دادگاه شکایت نمی‌برد بلکه حتی به شوهرش هم اعتراض نمی‌کند؟

شاید کمی دور از انتظار باشد اما غیرواقعی نیست. این زن نباید مانند هم‌تایان خود پرخاش کند و برون‌ریزی داشته باشد. ما در خلوت این زن، ناراحتی و خرد شدنش را می‌بینیم. ولی او در نزد شوهر، پرده‌پوشی می‌کند. چون می‌خواهد زندگی‌اش را نگه دارد. او احساس می‌کند شوهر، متوجه اشتباهاتش شده و می‌خواهد برگردد. لذا این موضوع تمام‌شده را به روی شوهر نمی‌آورد تا اوضاع بدتر نشود. با این‌همه، شوهر متوجه درهم‌ریختگی زن هست و می‌گوید حس می‌کنم می‌خواهی چیزی بگویی. زن می‌خواهد احترام‌ها، باقی بماند. مضافاً که آنها یک پسر ده ساله دارند و زن به آرامش فرزندشان نیز فکر می‌کند.

■ سخن تان را قبول ندارم. معقول نیست که این خانم وکیل زمانه مدرن که راه‌های قانونی را بلد است شکایت یا اعتراض نکند؟

البته او در فیلمنامه بعد از آن شب مهمانی، سکوت خود را می‌شکند و منفجر می‌شود. اما به وقت اجرا، نظر کارگردان اینطوری بوده که بیتا همان زن خونسر ابتدای فیلم بماند.

■ صحنه مهمانی نیز در فیلم قابل پذیرش نیست. چون قبل از این جلسه، دشمنی زنی با حمید و بیتا کاملاً روشن شده است. معلوم نیست چرا باید این زوج، میزبان زندی و همکارانش باشند. شوخی‌ها و خنده‌های آن جمع نیز آزاردهنده است. کلاً وجود این سکانس توجیهی ندارد و بد هم اجرا شده است.

در فیلمنامه دوران عاشقی سه سکانس برگزیده وجود دارد. اول آنجا که بیتا می‌فهمد این زنی که برای درخواست وکالت آمده، همسر صیغه‌ای شوهر خودش است، چیزی که تا آن لحظه از مخاطب پنهان نگه داشته شده. دوم، همین سکانس مهمانی است که بیتا قبل از آن شب، از نقش زندی در زندگی‌اش خبر پیدا کرده و حمید هم می‌داند که بیتا از ازدواج دوم او خبر دارد، ولی تا به حال درباره‌ی آن صحبت نکرده‌اند و او می‌خواهد تصمیم بگیرد. اما چون قرار مهمانی از قبل گذاشته شده حمید جرأت ندارد آن را لغو کند.

■ اغراق دوم فیلم، آنجا است که بیتا در دفتر زندی وکالت او را قبول نمی‌کند و می‌گوید من وکیل شوهرم هستم. یعنی او با ازدواج دوم شوهرش مشکلی ندارد. اگر این قصه در پنجاه سال قبل می‌گذشت یا اینکه بیتا یک زن سنتی بود، شاید می‌شد پذیرفت ولی الآن نه.

اتفاقاً زیبایی قصه در همین است؛ زنی که توان مالی و موقعیت اجتماعی دارد برای اینکه زندگی‌اش را حفظ کند دارد می‌جنگد. اما اگر می‌خواهید بگویید که قصه یا فیلم، به درستی درنیامده‌اند، بحث جداگانه‌ای است که ترجیح می‌دهم به آن وارد نشوم. من می‌خواستم به زن‌ها بگویم اگر می‌بینید نیاز مالی به شوهرتان ندارید اشتباه است که زندگی‌تان را خراب کنید. زنی که با یک وجود یک بچه، طلاق می‌گیرد بسیار خطر می‌کند.

■ شما جایزه بهترین فیلمنامه سینمایی را از جشنواره



ازدواج مجدد دائم، مورد بحث ما در فیلم نبوده و من هم با آن مشکلی ندارم. مثلاً زنی، بچه‌دار نمی‌شود و شوهر می‌خواهد مجدداً ازدواج کند. ولی چون همسر اول را دوست دارد او را نگه می‌دارد

سکانس گفت‌وگو



حاشیه هستند. هر قانونی، محاسن و معایبی دارد. اما چطور است که همه به دنبال معایب صیغه می‌گردند؟ چون این قانون، عامل اصلی بسیاری از پرونده‌های طلاق است. به نظرم باورهای اجتماعی دارد تغییر می‌کند ولی قوانین هنوز تغییری نکرده است. دختر امروز اصلاً تحمل ندارد که شوهرش زنی را صیغه کند. در دادگاه‌های خانواده، دخترها برای چیزهایی بسیار کمتر از این، طلاق می‌گیرند. پس باید صیغه را به‌درستی معرفی کنیم.

■ **فیلم دوران عاشقی، زیر بنای ازدواج دوم را به هر شکلی می‌زند. سؤال این است که آیا خودتان تعدد زوجات را قبول دارید؟**

ازدواج مجدد دائم، مورد بحث ما در فیلم نبوده و من هم با آن مشکلی ندارم. مثلاً زنی، بچه‌دار نمی‌شود و شوهر می‌خواهد مجدداً ازدواج کند. ولی چون همسر اول را دوست دارد او را نگه می‌دارد. در فیلم حتی در مورد ازدواج موقت نیز قضایا می‌شود. بلکه درباره شکل استفاده از آن حرف زده می‌شود. زنی از فرنگ می‌آید و بدون آشنایی با قوانین، به عقد موقت یک مرد همسر دار می‌آید و بدون رضایت او، می‌خواهد بچه بیاورد. این زن از شوهرش، توقع دارد برای بچه‌شان پدری کند بی‌اینکه توجه کند چنین مردانی اصلاً بچه نمی‌خواهند. اما زن دیگری نیز در فیلم داریم که صیغه یک مرد پولدار شده و پس از بارداری، می‌خواهد مرد را تلکه کند.

■ **فیلم دوران عاشقی، نامگذاری به خلاف شده است. مانند کسی که دیوانه است و نامش را «رشید» بگذارند. واضح است که فیلم دارد به نوعی ازدواج موقت را تمسخر می‌کند.**

این نام را آقای رئیس‌بان بر اساس یک تفأل به حافظ انتخاب کرده‌اند. من در مورد خوب یا بد بودن این نام، نظری نمی‌دهم. ولی می‌توانم بگویم که این فیلم در مورد عاشقی نیست.

■ **امروزه شیوه‌های عجیب و غریبی از خواستگاری و زندگی مشترک دارد رایج می‌شود. اما روش سنتی ازدواج، هنوز هم بهترین است.**

بله. برای نسل ما و پیش از ما واقعاً عالی بوده. اما یک جواب سؤال شما می‌تواند این باشد که جوان‌های امروز می‌خواهند از همه وجوه زندگی‌شان لذت ببرند. این تصور نیز غالب شده که حتماً باید با کسی ازدواج کنند که عاشقش باشند. لذا اگر مردی با شرایط ایده‌آل اخلاقی و مالی، به خواستگاری دختری برود هیچ بعید نیست که جواب منفی بگیرد. زیرا دختر گمان می‌کند که باید از قبل، عاشق آن مرد شده باشد. در ذهن این افراد اصلاً این مفهوم وجود ندارد که اگر به خانه بخت بروند به شوهر علاقه پیدا می‌کنند.

■ **تصور اشتباه جوان‌های ما این است که باید چشم‌هایشان را باز کنند تا همسرشان را پیدا کنند. لذا مبتلا به چشم‌چرانی می‌شوند و خیلی از آفات دیگر. از کجا معلوم که چشم و احساس ما خطا نکند؟**

بهتر است فراموش نکنیم که حتی خوراکی‌های نسل جدید نیز با نسل ما تفاوت دارد. خوراکی‌های دوران ما از قبیل کشمش، بادام، گردو و مواد مغذی طبیعی بودند. اما حالا چه؟ ذائقه بچه‌های ما خراب شده است. آنها اصلاً نخودچی کشمش را نمی‌شناسند. حق با شما است. ما باید برای چیزهای خوبی که داریم تبلیغ کنیم و برایش فیلم بسازیم.

بعید نیست فیلمی در آینده ساخته شود که یک ازدواج صیغه‌ای را خیلی خوشبخت نشان دهد. در این صورت من به آن فیلمساز تبریک می‌گویم. اگر ازدواج موقت، تجربه خوبی برای مرد باشد از دو حالت خارج نیست؛ یا زن اول اصلاً خبر ندارد یا با رضایت او بوده است

■ **خب! شما چرا این کار را نکرده‌اید؟**

صیغه درست را نمی‌دانم آیا هست یا نه؟ من ندیده‌ام. چون واقعاً در اطراف من این اتفاقات رخ نداده است.

■ **آیا تخیل هم نمی‌توانستید بکنید؟! اگر واقعاً شما به این نتیجه رسیده‌اید که یک حکم از طرف خداوند متعال صادر شده آیا نمی‌توانید تفکر کنید و تا حدودی حکمت‌هایش را بفهمید؟**

من فقط آن وجه از صیغه را که غلط است مطرح کرده‌ام. در واقع از ماجرای ازدواج موقت حمید استفاده کرده‌ام تا به زن‌ها هشدار بدهم با این رابطه بازی نکنند.

■ **آیا به نظر شما هیچ خوبی در قانون مُتعه وجود ندارد؟**

من به خاطر ساخت آن مستند، به دادگاه خانواده رفتم و آمد دارم. ولی تاکنون استفاده خوب از صیغه ندیده‌ام. **دلیلش این است که مردان و زنانی که از قانون شرع به‌درستی استفاده می‌کنند پایشان به دادگاه خانواده نمی‌رسد، حال چه ازدواج دائم یا موقت.**

بعید نیست فیلمی در آینده ساخته شود که یک ازدواج صیغه‌ای را خیلی خوشبخت نشان دهد. در این صورت من به آن فیلمساز تبریک می‌گویم. اگر ازدواج موقت، تجربه خوبی برای مرد باشد از دو حالت خارج نیست؛ یا زن اول اصلاً خبر ندارد یا با رضایت او بوده است.

■ **یک فرض دیگر در مُتعه، برای مردانی است که امکان ازدواج دائم ندارند.**

- من در فیلمنامه دوران عاشقی، همین هشدار را می‌دهم که زن بهتر است به سراغ مرد متأهل نرود. ما در تاریخ خوانده‌ایم که وقتی کیومرث قلمروی ایران را مشخص کرد از همان زمان، یکتاپرستی را نیز اعلام کرد. تاریخ هنر غرب، پر است از مجسمه‌ها و آثار هنری برهنه، ولی در تخت جمشید زنان به‌طور پوشیده تصویر شده‌اند. اجداد ما چون موحد بودند اسلام را به‌راحتی پذیرفتند چون با اندیشه‌هایشان نزدیک بوده است. ما یک کشور دین‌دار و بااخلاق بوده‌ایم. بنابراین با قوانین دینی مشکلی نداریم بلکه گاهی با شکل استفاده از آن مسئله پیدا می‌کنیم.

■ **یکی دیگر از فواید ازدواج موقت، برای حریمت**

در سکانس اول دوران عاشقی، از دیالوگ‌های همسر زندگی که به دیدن بیتا (لیلا حاتمی) آمده است می‌شود فهمید که او می‌گه را قبول دارد. این زن، نمونه‌ای از یک آدم سستی است که با عقد موقت مشکلی ندارد



Showtimes Dialogue

خانوادگی‌اش است. **■ مواردی در فیلم دوران عاشقی هست که غیرت زن و مرد یکسان دانسته شده. مثلاً بیتا می‌گوید: «تو فرض کن برعکس این بود، آیا می‌توانستی تحمل کنی؟»** سکوت. **■ می‌توانید صحبت کنید؟ بالاخره، این دیالوگ را شما نوشته‌اید یا نه؟** اغلب اوقات، فیلمنامه‌ها تا به مرحله ساخت برسند تغییراتی می‌کنند. اگر فیلم، چنین چیزی را القاء می‌کند هدفم این نبوده است. **■ آیا می‌توانید بگویید که حرف اصلی شما در این فیلمنامه چیست؟** می‌خواستم به زن‌ها آگاهی بدهم که حواسشان به همجنس‌های خودشان باشد. یعنی به درستی انتخاب کنند. زنی که نازا است و شوهر می‌رود ازدواج دوم می‌کند، یا زنی که در آسایشگاه روانی است و شوهر مجبور می‌شود زنی را صیغه کند، اینها معقول است. در اروپا، روابط آزاد وجود دارد. پس اگر مردی در اینجا خودش را درگیر صیغه می‌کند باید برای او احترام قائل شد. ولی به این شکل نادرست ورود زن‌های صیغه‌ای، مخالفت کرده‌ام. ما اگر می‌گوییم کار مردها درست نبوده مفهومی این نیست که زن‌ها هم باید بروند مشابه با آن خطا را مرتکب شوند. **■ به نظر شما، این عشق دیرپا که در ازدواج‌های قدیمی وجود داشت از کجا می‌آمد؟ زن و مردهایی که حتی ممکن بود همدیگر را قبل از عقد ندیده باشند.** نمی‌دانم. شاید به همسرانشان عادت کرده باشند وگرنه مفهوم عشق در نزد آنها با عشق‌های امروزی، بسیار تفاوت دارد. منبع: سینما پرس

است. وقتی همه شرایط طی شد و عروس و داماد یکدیگر را پسندیدند، دختر با اذن پدرش برای یکی دو ماه، صیغه می‌شود. این صیغه محرمیت، در خانواده‌های سنتی و بااصالت اجرا می‌شود. اما برخی خانواده‌های متأثر از فرهنگ غرب متأسفانه برای همین نیاز، به ازدواج سفید روی آورده‌اند. بدین شکل که دختر و پسر قبل از ازدواج دائم، مدتی را با هم زندگی می‌کنند تا به شناخت از یکدیگر برسند! البته آن هم، معضلات خودش را دارد. **■ متأسفانه بسیاری از سینماگران ایرانی به جای معرفی یا حمایت از شرع مقدس، علیه آن فیلم می‌سازند. مثلاً اذن ازدواج دختر در دین اسلام، به پدرش سپرده است. من حداقل بیست فیلم و سریال دیده‌ایم که در آنها پدر از این اختیار خود سوء استفاده کرده و دخترش را مجبوراً به مرد ثروتمندی شوهر داده است! این فیلمسازان، رسماً حکمت خداوند را جهالت پنداشته‌اند. من تا به حال ندیده‌ام یک فیلم ایرانی حتی به معرفی درست قانون متعه پرداخته باشد. همه می‌خواهند انتقاد کنند. شما چرا این کار را نکرده‌اید؟** در سکانس اول دوران عاشقی، از دیالوگ‌های همسر زندگی که به دیدن بیتا (لیلا حاتمی) آمده است می‌شود فهمید که او صیغه را قبول دارد. این زن، نمونه‌ای از یک آدم سستی است که با عقد موقت مشکلی ندارد. **■ متأسفانه این هم نکته خوبی برای فیلمنامه شما نیست. چون بعداً که ما با زندگی (فرهاد اصلانی) آشنا می‌شویم می‌فهمیم که او آدم خشن و زورگویی است و احتمالاً همسرش از او می‌ترسد. اتفاقاً به نکته خوبی اشاره کردید. این زن از شوهرش حساب می‌برد. شاید هم اگر به چنین شرايطی تن می‌دهد ناشی از باورها و تربیت**



sudoku



سودوکو

معرفی جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) جدول اعدادی است که امروزه یکی از سرگرمی‌های رایج در کشورهای مختلف جهان به شمار می‌آید. سودوکو مخفف یک عبارت ژاپنی است و به معنی "ارقام باید تنها باشند" است. هرچند این بازی برای اولین بار در یک مجله پازل آمریکایی در سال ۱۹۷۹ انتشار یافت اما انتشار آن به طور مستمر و پی‌گیر برای نخستین بار برمی‌گردد به ژاپن در سال ۱۹۸۶ و از سال ۲۰۰۵ این سرگرمی به محبوبیت جهانی دست یافت و نخستین مسابقه ملی آن در سال ۲۰۰۸ در فیلادلفیا در آمریکا برگزار شد. در ایران برای اولین بار روزنامه همشهری در سال ۱۳۸۵ اقدام به چاپ سودوکو به صورت روزانه کرد.



	9	7			1			
			7	4				
1	5						6	
	4	9		6		8	1	
7						5		
	1			5				3
							3	4
				3		9		
3	7	4						1

1	5	9	8	7	6	4	2	3
8	7	6	4	3	1	5	2	9
4	3	2	9	7	5	1	8	6
3	6	7	2	5	4	9	1	8
9	4	5	6	1	8	7	3	2
2	1	8	7	9	3	6	4	5
7	9	4	9	6	7	8	5	1
6	8	1	5	4	7	3	9	2
5	2	3	1	8	9	7	6	4

	1		3		2	7		4
9	3	2	7		5			8
				6	8			9
4	8		9			5	1	
		5		7				3
				5	3	8		2
3		1	2		7	9	4	
	2							
7	4	8	6	1				5

5	3	7	6	1	9	8	4	2
8	7	1	4	3	5	6	2	9
9	4	6	7	8	2	1	5	3
2	9	8	3	5	4	7	6	1
3	6	4	1	7	8	5	9	2
7	1	5	9	2	6	3	8	4
6	2	3	8	9	1	4	7	5
1	8	9	5	4	7	2	3	6
4	5	7	2	6	3	9	1	8



سهم ایران از بازار لوازم آرایشی در خاورمیانه ۲ میلیارد و یک صد میلیون دلار است که این یعنی ۳۰ درصد بازار فروش این لوازم به ایران تعلق دارد!



ایران دومین کشور مصرف کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه

هزینه ۱۰ تریلیونی زنان ایرانی

برای آرایش!

کشورمان دومین کشور مصرف کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه و هفتمین کشور در جهان است. این رتبه در حالی است که سهم بالایی از این کالاها قاچاق هستند و بدون هیچگونه نظارت کیفی در بازارها به فروش می‌رسند

شده است؛ طوری که هر ساله هزاران حیوان آزمایشگاهی در اثر آزمایش مواد بهداشتی آرایشی دچار بیماری‌های پوستی مزمن شده و حتی در درازمدت از بین رفته‌اند!

واکنش‌های تند در جهان به کیفیت لوازم آرایشی سبب شده تا شرکت‌های مشهوری همچون لورل و یونیور که از شرکت‌های مهم لوازم آرایشی هستند، اخیراً خواستار آزادی بیشتر آزمایش روی حیوانات شدند. بسیاری این درخواست‌ها را به دلیل ترس آنها از واکنش مواد شیمیایی موجود بر پوست انسان می‌دانند.

بر اساس پژوهش‌های موسسه تحقیقاتی ام.تی.بی-۳۹۶ عارضه در کمین کسانی است که مواد آرایشی بهداشتی تقلبی را استفاده می‌کنند.

کرده است! طبق آمارها ۱۷ میلیون زن ایرانی هر ساله ۱۰ تریلیون و ۲۰۰ میلیارد تومان برای خرید لوازم آرایشی هزینه می‌کنند! این در حالی است که بین ۸۰ تا ۹۰ درصد بازارهای لوازم آرایشی ایران در اختیار چین، ترکیه و تایلند قرار گرفته است؛ کشورهایی که هر ساله میلیون‌ها دلار از صادرات لوازم آرایشی بهداشتی به ایران، سود عایدشان می‌شود!

نکته جالب این است که در این سه کشور علاوه بر تولیدات خود، برندهای معروف خارجی در این زمینه به صورت تقلبی ساخته شده و به بازارهای ایران فرستاده می‌شوند!

بر اساس آخرین ارقام، هر ساله ۸۵۰ میلیون دلار لوازم آرایشی قاچاق وارد کشور شده، در حالی که سهم واردات قانونی لوازم آرایشی تنها ۱۵۰ میلیون دلار است! در این بین برخی از بانوان ایرانی به دلیل علاقه زیاد به لوازم آرایشی و ارزان از نسخه تقلبی برندها استقبال می‌کنند و همین مساله باعث بروز انواع و اقسام بیماری‌های پوستی

در خرها آمده بود؛ بازار مصرف لوازم آرایشی بهداشتی خاورمیانه در اختیار ایران است و موج عجیب استفاده از لوازم آرایشی سبب شده تا ایران در خاورمیانه دومین مصرف کننده لوازم آرایشی باشد. سن استفاده از لوازم آرایشی در جامعه ایران به ۱۴ سال رسیده و سالانه ۸۵۰ میلیون دلار لوازم آرایشی قاچاق وارد کشور می‌شود.

کشورمان دومین کشور مصرف کننده لوازم آرایشی در خاورمیانه و هفتمین کشور در جهان است. این رتبه خیره کننده در مصرف مواد شیمیایی آرایشی در حالی است که سهم بالایی از این کالاها قاچاق هستند و بدون هیچگونه نظارت کیفی در بازارها به فروش می‌رسند!

سهم ایران از بازار لوازم آرایشی در خاورمیانه ۲ میلیارد و یک صد میلیون دلار است که این یعنی ۳۰ درصد بازار فروش این لوازم به ایران تعلق دارد! البته موسسه تحقیقات بین‌الملل در لندن این رقم را در ایران ۵ میلیارد دلار اعلام

حفظ تناسب اندام در فصل پاییز

پس از سپری کردن یک بهار زیبا دلنشین و فرحبخش و یک تابستان گرم و خاطره انگیز، حالا سومین فصل سال یعنی پاییز را پیش رو داریم.

فصل پاییز همواره یادآور خزان و برگ ریزان و آغاز سال تحصیلی می باشد، اما فراموش نکنیم که پاییز همواره زیبایی و لطافت خود را دارد و بسیاری از مردم علاقه بسیاری به این فصل دارند.

به هر حال در فصل پاییز رفته رفته هوا زودتر تاریک می شود و هوا سردتر می شود. در این بین افرادی هستند که دوست ندارند در این فصل تناسب اندامشان بهم بخورد و به قول معروف دوست دارند روی فرم باشند. برنامه ریزی برای تغییرات فصلی، انجام ورزش‌های گروهی، استقبال از رویدادها و فعالیت‌هایی که در این فصل برگزار می‌شوند، همه و همه عوامل مهمی برای متناسب ماندن در پاییز است.

- اگر از این گروه افراد هستید نکات ذیل را مورد توجه قرار دهید.
۱. از مزیت فعالیت‌های پاییزی استفاده کنید.
 ۲. در رویدادهای اجتماعی مانند پیاده روی های خانوادگی و مسابقات و فعالیت های ورزشی شرکت کنید.
 ۳. به پیاده‌روی بروید.
 ۴. لباسی مناسب با شرایط آب و هوایی بپوشید.
 ۵. نوشیدن آب را فراموش نکنید.
 ۶. جای بنوشید.
 ۷. از مصرف شیرینی در تعطیلات بپرهیزید.
 ۸. کارهای سخت روزانه را به ورزش تبدیل کنید.
 ۹. سعی کنید در اوایل روز ورزش کنید.
 ۱۰. در فعالیت‌هایتان تنوع ایجاد کنید.





مزاج شناسی

وقتی کفش می پوشید، پاهایتان معمولاً در آن راحتند یا همیشه مشکل دارید؟ این مساله به طبع شما ارتباط دارد. تعجب نکنید؛ شناخت طبع گاهی به همان سادگی که فکر می کنید نیست. این آزمون به شما در شناخت دقیق طبعتان کمک می کند. مزاج اصلی، همان مزاجی است که فرد با آن به دنیا می آید. این مزاج با طبع همیشه همراه او بوده و مزاج با طبیعت ذاتی اوست؛ درست مثل رنگ پوستی که با آن متولد می شود. اگرچه در طول عمر هر فرد به دلایل مختلف شامل اقلیم، تغییرات آب و هوایی، عادت های غذایی، حالت های روحی- روانی و عوامل بیماری زا این طبع کمی تغییر می کند اما اصل آن تغییر نخواهد کرد. هر قدر علت های تغییر مزاج اصلی به مزاج ثانویه نزدیک تر باشد، طبیعت بیماری به طبیعت اصلی خودش شبیه تر و امکان درمان و بازگشت به شرایط عادی امکان پذیرتر است.

خودتان را بسنجید

فردی را تصور کنید که هدفش رفتن به مرکز خرید خاصی است اما بدون فکر مسیر دیگری را انتخاب می کند. او به مقصد رسیده است اما انتخاب مسیر اشتباه او را به دردسرهای بسیاری دچار می کند. درست مانند کسی که گرسنه است اما برای رفع گرسنگی، غذای نامناسب انتخاب می کند. راه انتخاب درست برنامه غذایی آگاهی از طبع است. حالا که به سوال ها پاسخ دادید، پاسخ آنها را هم با دقت بخوانید و طبع تان را بشناسید.

پای تان در کفش چه وضعیتی خواهد داشت؟
الف: پایم را می زند.

ب: کاملاً راحت هستم.

۹- در جمع معمولاً آغازگر بوده و در راس حرکت می کنید و تأثیر می گذارید یا بیشتر آرام هستید و تأثیر می گیرید؟

الف: تأثیرگذار

ب: تأثیرپذیر

۱۰- اطرافیان شما را کم حرف می دانند یا پر حرف یا گزیده گو؟

الف: پر حرف

ب: کم حرف

ج: گزیده گو

۱۱- روی حرفی که می زنید، می ایستید و به درست و نادرست بودنش کاری ندارید یا اینکه می ایستید و در صورت اشتباه بودن آن را تصحیح می کنید یا دائماً تغییر موضع می دهید؟
الف: می ایستم و تغییر نمی دهم حتی اگر نادرست باشد.

ب: می ایستم اما اگر با ارائه دلایل محکم متوجه شوم اشتباه است، از حرفم بر می گردم.

ج: دائماً تغییر می دهم.

۱۲- از گفتن بسیاری از حرف ها شرم می کنید یا اینکه به راحتی هر حرفی را به زبان می آورید؟

الف: هر حرفی باشد، می گویم.

ب: حجب و حیا مانع از بیان بسیاری از حرف ها می شود.

۱۳- هر روز یا بیشتر روزها عصبانی می شوید؟

الف: بله

ب: خیر

۱۴- اگر عصبانی می شوید، عصبانیت شما زیاد طول می کشد یا بعد از مدتی فروکش می کند و پشیمان می شوید؟

الف: فروکش نکرده و طولانی است.

ب: فروکش کرده و پشیمان می شوم.

۱۵- به خوردن گرمی ها بیشتر گرایش دارید یا خوردن سردی ها؟ برای مثال خوردن چند عدد خیار را ترجیح می دهید یا چند عدد شیرینی؟

الف: به خورد گرمی ها مثل شیرینی

ب: به خوردن سردی ها مثل خیار

۱۶- اگر تذکرات دیگران نباشد، اشتهاى شما چطور است؟

الف: زیاد

ب: کم - ج: معمولی

۱- با حلقه کردن انگشت شست و انگشت وسط یک دست به دور دست دیگران، وضعیت قرار گرفتن دو انگشت چگونه است؟

الف: دو سر انگشت روی هم قرار می گیرد.

ب: دو سر انگشت تماس یکدیگر قرار می گیرند.

ج: دو سر انگشت به هم نمی رسند.

۲- اگر بدن تان را حرکت دهید، ساختار عضلات بیشتر است یا چربی؟

الف: لایه های چربی زیاد دیده شده و حالتی از لرزش و بی ثباتی در آن دیده می شود.

ویدیو کلیپ های باحال و دیدنی

ب: حجم عضلات بیشتر بوده و بدن لرزش ندارد و گوشت بدن شل نیست.

۳- وضعیت موهای بدن اعم از سر و بدن به چه شکلی است؟

الف: پرپشت، کلفت و تیره و صاف

ب: پرپشت، کلفت و تیره و مجعد

ج: پرپشت، کلفت اما لغت و روشن

د: کم پشت، نرم و نازک و شکننده و چرب

۴- پوست تان چه رنگی است؟ این آزمون برای افراد سفیدپوست است.

الف: رنگ سیاه با گرایش به کبودی

ب: رنگ سفید مایل به آبی

ج: رنگ سفید متمایل به سبز

د: رنگ سفید متهابی که فشار انگشت رنگ سرخ آن کم رنگ می شود.

۵- مفاصل شما به چه شکلی است؟

الف: برجستگی مفصل ها به خوبی نمایان است.

ب: برجستگی خاصی در مفصل ها دیده نمی شود.

۶- رگ های بدن، به ویژه دست تان دیده می شود؟

الف: بله

ب: خیر

۷- کف دست تان از نظر هندسی چه شکلی است؟

الف: مربع

ب: مستطیلی و کشیده که انگشتان در درازای آن قرار دارند.

ج: مستطیلی شکل که عمود بر انگشتان دست است.

۸- اگر کفش شما معمولی باشد؛ منظور اینکه طبی نبوده یا از نظر بلندی پاشنه در خانم ها و یا از نظر ساختاری برای کفش آقایان وضعیت خاصی ندارد،

سرد و خشک است.

پاسخ ۸: اگر پاسخ تان «الف» است، پای سینه دار و پهنی دارید و مزاج تان گرم و خشک است. اگر انتخاب شما گزینه «ب» است، پای تان باریک و استخوانی است و مزاج تان سرد و خشک است.

پاسخ ۹: اگر پاسخ «الف» است، گرم و خشک مزاج بوده و اگر پاسخ «ب» است، مزاج تان گرم و تر است.

پاسخ ۱۰: اگر پاسخ «الف» است، مزاج شما گرم و خشک است. اگر پاسخ «ب» است، مزاج تان سرد و تر است و اگر گزینه «ج» مزاج شما گرم و تر است، اما خشک نیست.

پاسخ ۱۱: پاسخ «الف» یعنی اینکه مزاج شما گرم و خشک است. پاسخ «ب» یعنی مزاج شما گرم و تر است و اگر گزینه «ج» را انتخاب می کنید مزاج تان سرد و تر است.

پاسخ ۱۲: اگر پاسخ شما «الف» است مزاج تان گرم و خشک است و اگر پاسخ «ب» است، مزاج تان سرد و تر است. البته شرایط رشد و تربیت هر فرد نیز روی رفتار او تأثیر دارد.

پاسخ ۱۳: گزینه «الف» نشانه گرم و خشک مزاج و گزینه «ب» نشانه سرد و تر مزاج است.

پاسخ ۱۴: گزینه «الف» نشانه گرم و خشک مزاج و گزینه «ب» نشانه گرم و تر مزاج است.

پاسخ ۱۵: اگر انتخاب تان گزینه «الف» است، مزاج تان سرد و تر و اگر انتخاب شما گزینه «ب» است، مزاج تان گرم و خشک است.

پاسخ ۱۶: اگر انتخاب تان گزینه «الف» است، مزاج تان سرد و تر، اگر انتخاب تان گزینه «ب» است، مزاج تان گرم و خشک و اگر گزینه «ج» را انتخاب کرده اید، مزاج تان معتدل است؛ یعنی بین مزاج گرم و تر است.

پاسخ ۱: اگر گزینه «الف» باشد، شما دارای مزاج سرد و خشک بوده و استخوان بندی تان ریز است. اگر گزینه «ب» باشد، مزاج شما معتدل بوده و استخوان بندی شما متوسط است و اگر پاسخ گزینه «ج» است، مزاج تان گرم و تر بوده و استخوان بندیان درشت است.

پاسخ ۲: اگر پاسخ گزینه «الف» است، مزاج شما گرم و تر بوده و اگر پاسخ گزینه «ب» است، مزاج شما گرم و خشک است.

پاسخ ۳: اگر پاسخ شما گزینه «الف» باشد، مزاج شما گرم و خشک است. اگر پاسخ شما گزینه «ب» باشد، مزاج شما گرم و تر است. اما اگر گزینه «ج» پاسخ شما باشد، مزاج تان گرم و تر استوارتر جواب گزینه «د» است، مزاج تان سرد و تر است. هرچه مو نازک، شکننده و اصطلاحاً شبیه به موی گربه باشد مزاج به سمت سرد و تری گرایش دارد و هرچ

مود حالت دار با پایه قوی باشد، مزاج به سمت گرمی گرایش دارد.

پاسخ ۴: اگر پاسخ تان «الف» است، یعنی مزاج شما سرد و خشک است. اگر پاسخ تان «ب» است، مزاج تان سرد و تر است. اگر پاسخ شما «ج» است، یعنی مزاج تان مخلوط است و اگر پاسخ تان «د» است، یعنی مزاج شما گرم و تر است.

پاسخ ۵: اگر پاسخ شما گزینه «الف» است، مزاج تان گرم و خشک و اگر گزینه شما «ب» است، مزاج تان سرد و تر است.

پاسخ ۶: اگر پاسخ «الف» است، مزاج تان گرم و خشک و اگر پاسخ «ب» است، مزاج تان سرد و تر است.

پاسخ ۷: اگر پاسخ تان «الف» است مزاج تان معتدل بوده و حد واسط بین گرم و سرد قرار دارد. اگر گزینه «ب» را انتخاب کرده اید مزاج تان گرم و خشک و اگر گزینه «ج» پاسخ شماست، مزاج تان

تست مزاج شناسی: سرد یا گرم؟ خشک یا تر؟

چطور نتیجه بگیریم؟

اگر تعداد پاسخ های مثبت شما نسبت به یک مزاج بالاتر از نصف به علاوه یک باشد، مزاج شما همان است؛ برای مثال است اگر از ۱۶ سوال پرسیده شده، پاسخ ۱۰ سوال شما مرتبط به مزاج گرم باشد، مزاج شما گرم است، گرم و خشک. این افراد گرمایی بوده و معمولاً فعالیت بدنی شان زیاد است. به مدیریت علاقه مند بوده و اغلب آنها را در پست های کلیدی می بینید. مدیران خوب و کارآمدی هستند اما زود عصبانیمی شوند و البته از عصبانیت شان زود پشیمان می شوند. معمولاً طعم دهانشان در ساعت های ابتدایی صبح تلخ است. در خرداد باید تدابیری بیندیشند تا دچار مشکل مزاجی نشوند. باید از خوراکی های سرد استفاده کنند.



The great palace built by Xerxes I consisted of a grand hall that was eighty-two feet in length, with four large columns, the entrance on the Western Wall



one of the women present, Thais by name and Athenian by origin, said that for Alexander it would be the finest of all his feats in Asia if he joined them in a triumphal procession, set fire to the palaces, and permitted women's hands in a minute to extinguish the famed accomplishments of the Persians. This was said to men who were still young and giddy with wine, and so, as would be expected, someone shouted out to form up and to light torches, and urged all to take vengeance for the destruction of the Greek temples [burned by the Persians when they invaded Athens in 480 BCE]. Others took up the cry and said that this was a deed worthy of Alexander alone. When the king had caught fire at their words, all leaped up from their couches and passed the word along to form a victory procession in honor of the god Dionysus. Promptly many torches were gathered. Female musicians were present at the banquet, so the king led them all out to the sound of voices and flutes and pipes, Thais the courtesan leading the whole performance. She was the first, after the king, to hurl her blazing torch into the palace. As the others all did the same, immediately the entire palace area was consumed, so great was the conflagration. It was most remarkable that the impious act of Xerxes, king of the Persians, against the acropolis at Athens should have been repaid in kind after many years by one woman, a citizen of the land which had suffered it, and in sport."

The fire, which consumed Persepolis so completely that only the columns, stairways and doorways remained of the great palace, also destroyed the great religious works of the Persians written on "prepared cow-skins in gold ink" as well as their works of art. The palace of Xerxes, who had planned and executed the invasion of Greece in 480, received especially brutal treatment in the destruction of the complex. The city lay crushed under the weight of its own ruin (although, for a time, nominally still the capital of the now-defeated Empire) and was lost to time. It became known to residents of the area only as 'the place of the forty columns' (for the still-remaining columns standing among the wreckage) until, in 1618 CE, the site was identified as Persepolis. In 1931 excavations were begun which revealed the glory which had once been Persepolis.

(Source : JOSHUA J. MARK)

were dug underground through the rock. A large elevated cistern was carved at the eastern foot of the mountain to catch rain water for drinking and bathing.

The terraced plan of the site around the palace walls enabled the Persians to easily defend any section of the front. The ancient historian Diodorus Siculus recorded that Persepolis had three walls with ramparts, all with fortified towers, always manned. The first wall was over seven feet tall, the second, fourteen feet, and the third wall, surrounding all four

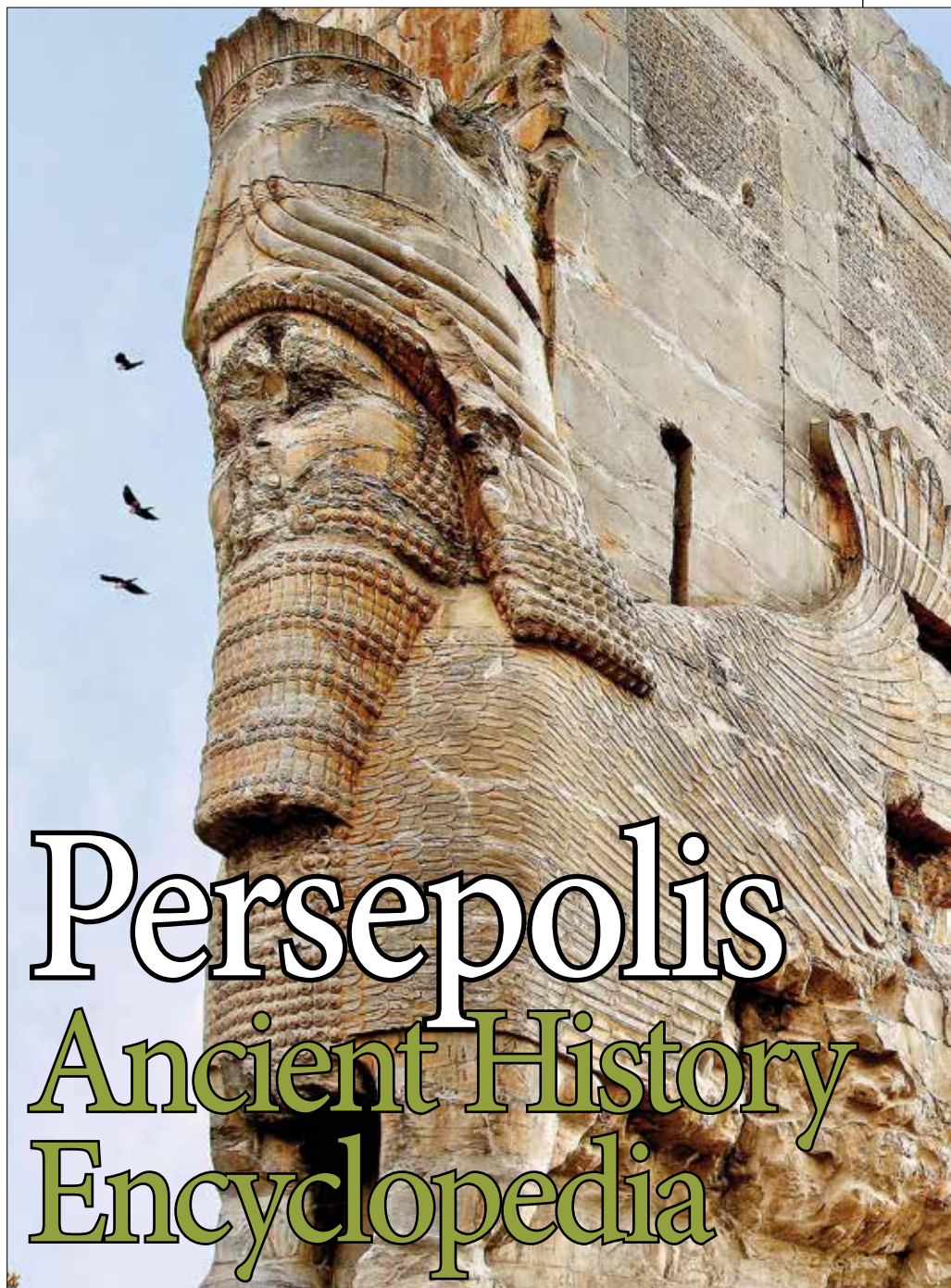
sides, was thirty feet high. With such fortifications opposing him it is an impressive feat that Alexander the Great managed to overthrow such a city; but overthrow it he did. Diodorus provides the story of the destruction of Persepolis:

"Alexander held games in honor of his victories. He performed costly sacrifices to the gods and entertained his friends bountifully. While they were feasting and the drinking was far advanced, as they began to be drunken, a madness took possession of the minds of the intoxicated guests. At this point

Persepolis is the Greek name (from *perse* polis for 'Persian City') for the ancient city of Parsa, located seventy miles northeast of Shiraz in present-day Iran. The name Parsa meant 'City of The Persians' and construction began at the site in 518 BCE under the rule of King Darius the Great (who reigned 522-486 BCE). Darius made Parsa the new capital of the Persian Empire, instead of Pasargadae, the old capital and burial place of King Cyrus the Great. Because of its remote location in the mountains, however, travel to Parsa was almost impossible during the rainy season of the Persian winter when paths turned to mud and so the city was used mainly in the spring and summer warmer seasons. Administration of the Achaemenian Empire was overseen from Susa, from Babylon or from Ecbatana during the cold seasons and it was most likely for this reason that the Greeks never knew of Parsa until it was sacked and looted by Alexander the Great in 330 BCE (the historian Plutarch claiming that Alexander carried away the treasures of Parsa on the backs of 20,000 mules and 5,000 camels).

Though building began under Darius, the glory of Parsa which Alexander found when he invaded was due mainly to the latter works of Xerxes I and Artaxerxes III, both of whose names have been found (besides that of Darius) inscribed on tablets, over doorways and in hallways throughout the ruins of the city.

The great city of Persepolis was built in terraces up from the river Pulwar to rise on a larger terrace of over 125,000 square feet, partly cut out of the Mountain Kuh-e Rahmet ("the Mountain of Mercy"). To create the level terrace, large depressions were filled with soil and heavy rocks which were then fastened together with metal clips; upon this ground the first palace at Persepolis slowly grew. Around 515 BCE, construction of a broad stairway was begun up to the palace doors. This grand, dual entrance to the palace, known as the Persepolitan stairway, was a masterpiece of symmetry on the western side of the building and the steps were so wide that Persian royalty and those of noble birth could ascend or descend the stairs by horseback, thereby not having to touch the ground with their feet. The top of the stairways led to a small yard in



Persepolis

Ancient History Encyclopedia

the north-eastern side of the terrace, opposite the Gate of all Nations.

The great palace built by Xerxes I consisted of a grand hall that was eighty-two feet in length, with four large columns, the entrance on the Western Wall. Here the nations which were subject to the Empire gave their tribute to the king. There were two doors, one to the south which opened to the Apadana yard and the other opening onto a winding road to the east. Pivoting devices found on the inner corners of all the doors indicate that

they were two-leafed doors, probably made of wood and covered with sheets of ornate metal. Off the Apadana yard, near the Gates of all Nations, was Darius' great Apadana Hall, where he would receive dignitaries and guests which, by all accounts, was a place of stunning beauty (thirteen of the pillars of the Hall still stand today and remain very impressive).

Limestone was the main building material used in Persepolis. After natural rock had been leveled and the depressions filled in, tunnels for sewage



PLAY FOR HEART



NEW ZEALAND



IRAN



TONY PARKER



AUSTRALIA



SERBIA

CALIFORNIA SINCE 1960

 Hangeten



هتل ایترنل

